

# گیاتشناسی ایران

به  
پارسی

پارسی گردان: بانو فرزاد بتهایی



# گیتاشناسی ایران

( جغرافیای ایران )

به

## پارسی

پارسی گردان: بانو فرزاد بتهایی

« گیتاشناسی ایران به پارسی » دارای کپی رایت ویژه و برخوردار است از پشتیبانی:

\* نیگخانه بزرگ بلژیک در بروکسل.

**Bibliothèque Royale de Belgique**



## گوناگونی انگور ایران در جهان بی همتاست

ارزش گنجینه ها را بدانیم و پاسدار باشیم  
خواست، پایداری، پشتکار، و کوشش نستوه همواره بارآور میوه است!  
و این میوه ی خوشنما، خوش آهنگ، گوش نواز و دلنواز؛ پشتوانه هستی و کیستی ایرانی  
زبان پارسی است.

# گیتاشناسی ایران به پارسی

« جغرافیای ایران » دوره دوم متوسطه

6931

وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

# با نام آفریننده

## گیتاشناسی ایران

فرگرد نخست

گیتاشناسی چیست؟

گیتاشناسی دانش بررسی پیوندهای دو سویه میان مرتوگان [آدمی] و زیستبوم است.

در این آموزه [درس] با چرایی گیتاشناسی و روش خوانش آن آشنا می شویم.

# گیتاشناسی، دانشی برای زندگی بهتر

در نوشتارهایی [مطالبی] در باره ی زیستبوم [محیط زیست]، پیرامون آن و دیگر جاها و جایگاه ها خوانده اید. آگاهی ها در پیوند با گوی زمین، مانند زیستگاه های گوناگون، آب و پناد [آب و هوا]، رودها و کوه ها و بیشا [حتی] پرسمان ها در پیوند با آیین ها، هنجارها و ترادادها به ما یاری می دهد که دانش ما از زیستگاه پیرامون و دیگر جاها افزایش یابد. آیا شناخت زیستگاه در راستای بهبود چونی زندگی مردمان هنایشی داشته است؟

مرتوگان در درازنای زمان کوشیده است که به ناشناخته های جهان هستی پی ببرد و با بهره گیری از دانش های گوناگون چونی زندگی خویش را بهبود بخشد. یکی از دانش - هایی که می توان گفت از کهن ترین دانش ها به شمار می رود، گیتاشناسی است.

واژه ی گیتاشناسی، نخستین بار از سوی «اراتوستن» دانشمند یونانی پیشنهاد شد، که دربرگیرنده ی واژه های «ژئو = زمین» و «گرافی = کشیدن و باز نمود» است. اراتوستن گیتاشناسی را «دانش بررسی زمین همچون جایگاه مردمان باز می نماید.» امروزه بسیاری از گیتاشناسان به این باورند که گیتاشناسی آن بخش از دانش مرتوگری [بشریت] است که به مردمان یاری می دهد که به ویژگیهای زاستاری [طبیعی] و مردمی و پیوند میان آنها در پیرامون و پرگیرزاستاری [محیط طبیعی] آشنا شود و از آنها در راستای بهبود زندگی خویش بهره مند گردد. پیوند گیتاشناسی با دیگر شاخه های دانش یاری می دهد که گیتاشناسی بتواند برای پرسش هایش پاسخ درخور بیابد.

**برای اندریافت بهتر این گفتار به نمونه های زیر بنگرید.**

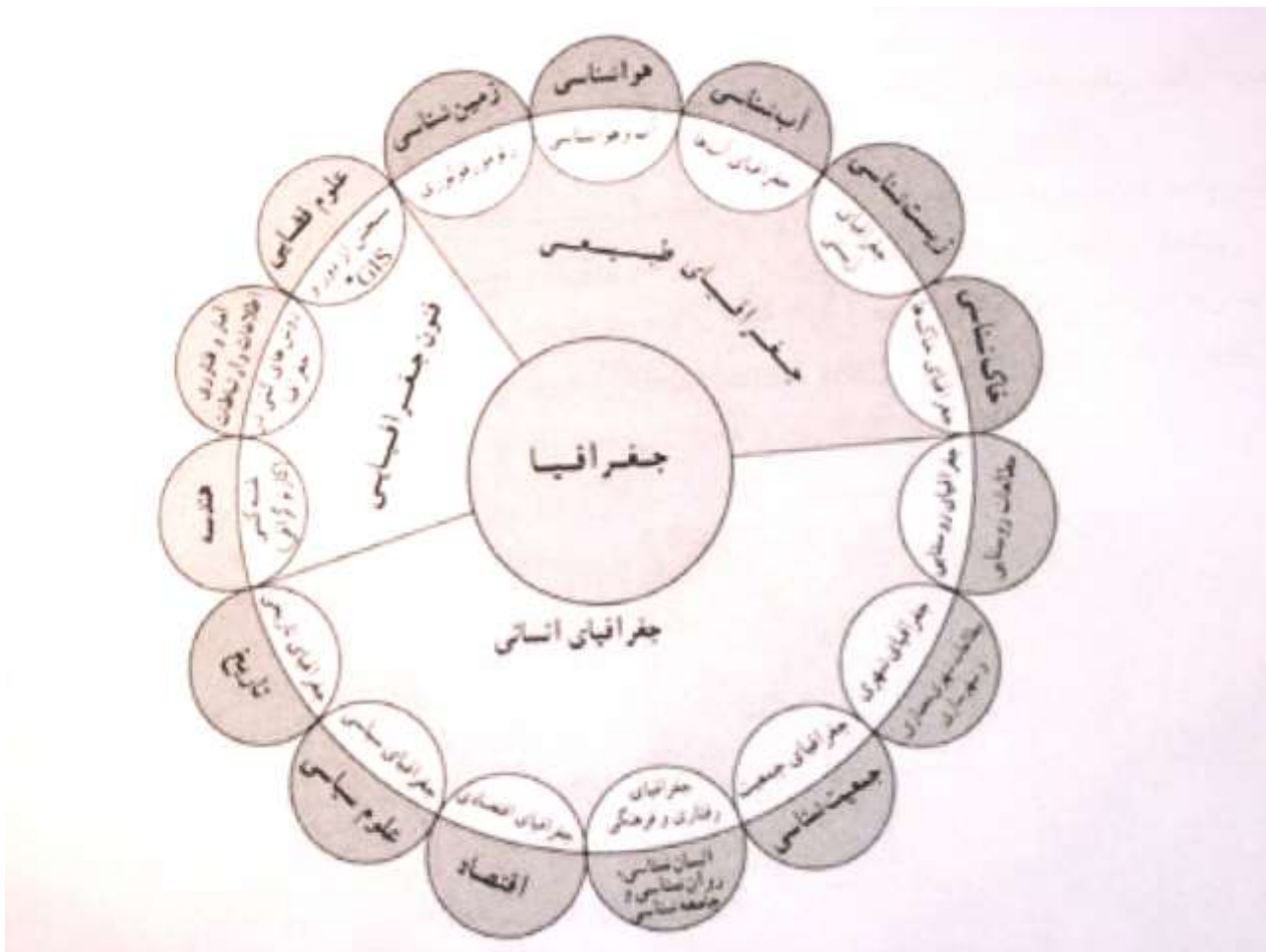
\* اینکه «با افزایش بلندا دما کاهش می یابد» پایه و بن پناد شناسی [هواشناسی] است ولی بررسی هنایش این پیوند برنشستنگاه و زندگی مردمان مانند: گونه ی ساختمایه های ساختمانی، سرچشمه های آب، کارهای بازرگانی، گرانش های گردشگری و... در بخش آب و پناد شناسی [آب و هواشناسی] است.

\* دانش بومدات [اقتصاد]، فرآوری [تولید]، پخش و کاربرد کالاها و کاریاری ها [خدمات]، سامانه های بومداتی [اقتصادی] و پیشداشت و درخواست [عرضه و تقاضا] را برمی رسد و گیتاشناسی بومداتی به چگونگی زیستمایه [معیشت] گروه های مردمی در جاهای گوناگون در پیوند با

پیرامون زندگی شان می پردازد، و اینکه چگونه سرچشمگان کانی یک کوسته [تأحیه] در پیشرفت شهرهای کروگیك [صنعتی] هنایش دارد.

\* گیتاشناس برای گردآوری، واکاوی و بررسی موشکافانه ی داده های نیازین خود باید از دانش آمار و فناوری داده ها و پیوندها یاری گرفته و با بهره مندی از سخت ابزارها و نرم ابزارهای گوناگون در زمان کوتاه و با باریک بینی بسیار به پرسشهای پژوهش خودپاسخ می دهد.

براین پایه دانش گیتاشناسی از یافته های دانش های دیگر بهره مند می شود و با یک دید همادین [کلی] بررسی ها و پژوهش های خود را در باره ی پراکندگی پدیده ها و پیوندهای میان آنها انجام می دهد. شایان گفتن است که این پیوند میان گیتاشناسی و دیگر دانش ها دو سویه می باشد و دریک روند از داده ها و یافته های یکدیگر بهره مند می گردند.



پیوند میان دانش های گوناگون گیتاشناسی و شاخه های آن

## پرمانه های [مفاهیم] بنیادین دانش گیاتشناسی

آگاهی از پرمانه های پایه ای هر دانش برای اندریافت آن بایسته است؛ به همین شوند با برخی از مهندترین [مهم ترین] پرمانه های گیاتشناسی آشنا می شویم که جایگاه و پیوند رویارویی مرتوگان [انسان] با زیستگاه و پیرامون است.

**\* جا یا جایگاه:** بسیاری از کاروکوشندگی مردمان در جای ویژه یی انجام می شود که آن را «جا، جایگاه» می نامند، برای نمونه: خانه، کشتزار، آموزشگاه و کارخانه. در هر جا و جایگاه، پدیده های گوناگونی هستند که بر یکدیگر کارایی دو سویه دارند. برای نمونه: در یک روستا خاک، آب، سرمایه و نیروی مردمی آن بر چونی کارگماری آن هنایش دارد و باژگون. این روند درایش گذار و درایش پذیر [تأثیر= درایش] بگونه ی پیوسته پیگیر است و زمینه ساز دگرگونی ساختار جایگاه ها می شود.

**\* پیوند رویارویی مردمان با زیستگاه:** مردمان و زیستگاه دو کارساز مهند در دانش گیتا - شناسی است. زیستگاه، جایگاهی ترازمند [متعادل] است. با راهیابی مردمان، زمینه های دگرگونی در پیرامون و زیستگاه فراهم می شود. مرتوگان [انسان] برای نیازهای خود به دگرگون کردن پیرامون زیست خود دست می یازد و در برآیند زیستبوم به پیرامون گیاتشناختی دگر می شود.

**پیرامون گیاتشناختی از ترازمندی پیرامون زیستگاه و پیرامون مردمی پدید می آید.**

کارکرد مردمی در پیوند با پیرامون زیستگاه به دو گونه است.

- \* اندریافت توان ها و بهره برداری از کانها برای نیازمندی ها. مانند:**  
کشاورزی برای نیازها، مانند: برداشت چای در لاهیجان یا گیلان.
- \* نگاه سودجویانه برای رسیدن به خواسته ها. مانند:**  
برش بی رویه درختان جنگل مازندران.

به نگرش شما کدامیک از این کارکردها نگاهبان ترازمندی زیستگاه در درازای زمان خواهد بود؟

- .....
- \* زیستگاه:** زیستگاه برای جایگاه و جای کرانمند، جای زندگی، خانه و یا دهکده و...
  - \* زیستبوم:** برای جاهای گسترده تر، سرزمین، کشور و جای زندگی همه ی هستندگان و گوی زمین.



از آنجا که گیاتاشناسی پیوند دوسویه ی مرتوگان[انسان] و پیرامون را بررسی می کند، براین پایه شناخت توان ها و گنجایش های پیرامونی بی دانش گیاتاشناسی شایمند نمی - باشد؛ پس گیاتاشناسی دانشی برای زندگی بهتر است.

نمونه ای از کارکرد های سودمند و یا آسیب رسان مردم در کوهستان:

- \* سودمند: پیشگیری از فرسایش خاک - فرآوری کهربای آبی - برپایی ورزش های درخور.
- \* آسیب رسان: چرای بی رویه دام - گسترش خانه سازی در جاهای بلند پایه - آلودگی پیرامون.

### نگرش همادی [کلی] یا دید آمیغی [ترکیبی] در گیاتاشناسی

چگونگی ریخت گیری زیستگاه های گیاتاشناسی، که دستاورد پیوند های دو سویه ی مردم و پیرامون است، انگیزه ی آنست که گیاتاشناس با دید آمیغی و نگرش همادی[کلی]، نهاده ها را پژوهش و بررسی کند؛ زیرا پاره ها و سازه های [عوامل] پیرامون گیاتاشناسی در پیوند با یکدیگر کارایی دارد.

**دید آمیغی: پژوهش همه سویه و فراگیر پدیده ها با همه ی ویژگی های آن در یک جا یا جایگاه.**

برای نمونه گیاتاشناس با آرمان پیشرفت یک شهر، به پژوهش همه سویه می پردازد و این پرسش ها را پیش می کشد.

\* با آمدن رهنامه ی [نقشه] شهر، شایش [امکان] گسترش شهر را برمی رسد.  
(رهنامه خوانی) .

\* با پژوهش در بافت پُرینش [جمعیت] شهر، گوالش و بالندگی آن و شایش جابجایی ، فاتورش [کوچ] پذیری مردم را برآورد می کند و می سنجد.  
(گیاتاشناسی پُرینش = جمعیت).

\* با پژوهش در اندازه و گنجایش آب شهر، شایش پیشرفت شهر را پیش بینی می کند.  
(گیاتاشناسی آب ها)

## روش بررسی و پژوهش در گیاتشناسی

در آموزه ی گذشته دانستیم که در پیرامون گیاتشناختی، پاره ها [اجزاء] و سازه های [عوامل] زیستگاهی در پیوند با یکدیگر پیش می روند، از اینرو گیاتشناسان با به کارگیری دید آمیگی برای یافتن راه چاره به بررسی پیرامون می پردازند. ولی پرسش اینست؛ ابزارها و شیوه های یاری دهنده به گیاتشناسان چیست؟ در گیاتشناسی شش پرسش بنیادین پیش کشیده می شود که گیاتشناس در بررسی های خود با آن روبروست.

### پرسش های راهگشا در گیاتشناسی

پرسش های گیاتشناسی بدینگونه است:

**کجا؟ چه چیزی؟ چرا؟ چه زمان؟ چه کسانی؟ چگونه؟**

برای اندریافت روش و شیوه ی به کارگیری پرسش های گیاتشناسی، بیانگرید که با پدیده های گرد و خاک « ریزگردها» روبرو هستید.

- پرسش: **کجا؟** در چه جایی، « این پدیده در کجا رخ داده است»؟ پاسخ: (باختر و نیمروز باختری).

- پرسش: **چه چیز؟** برچستی هر پدیده رهنمون است؛ « چه چیزی رخ داده است»؟ پاسخ: (پیدایش بیش از اندازه ی ریزگردها در پناد [هوا]).

- پرسش: **چرا؟** به چرایی رویداد پدیده می پردازد. « چرا این پدیده رخ داده است»؟ پاسخ: (پیوستگی خشکسالی در سال های پسین).

- پرسش: **چه زمان؟** به روند زمانی چگونگی ها می پردازد. « چه زمانی این پدیده ناهنجارتری شود»؟ پاسخ: (واره ی [فصل] گرم سال).

- پرسش: **چه کسی یا چه کسانی؟** پیوندهای دو سویه ی مردمان و پیرامون را بررسی می کند. « چه کسانی یا کدام کنشگری ها و برنامه های مردمی در این پدیده درایش [اثر] داشته است و هنایش آن بر زیستگاه و آدمی چیست»؟ پاسخ: (کمبود پرنگری به استواری خاک).

- پرسش: **چگونه؟** به بررسی چگونگی گسترش و دگرگونی پدیده می پردازد. « زمینه های پدیدآورنده این پدیده چیست»؟ پاسخ:

(برش درختان، خشک شدن دریاچه ها، آبگیرها و آبادی های کم گستره در بیابان).

## گامه های پژوهش در گیتاشناسی

کنجکاوی مردمان در باره ی جهان و پرسمان های گوناگون انگیزه ی کوشش او برای یابش ناشناخته ها شده است. امروزه برای پاسخگویی به نیازها و پرسش هایی که پیش روی مردمان نهاده شده است روش های گوناگون دانشیک در دسترس است.

دانش گیتاشناسی همانند دیگر دانش ها برای پاسخ به دشواری هایی که با آن روبروست به پژوهش می پردازد و این گامه ها را می پیماید.

- \* پیش کشیدن پرسش و باز نمودن پرسمان
- \* فراهم آوری انگاره [فرضیه]
- \* گردآوری داده ها
- \* پردازش داده ها
- \* ارزیابی، برداشت و گزارش پیشنهادها

### گام نخست: پیش کشیدن پرسش و باز نمودن پرسمان

پژوهشگر برای دستیابی به شناخت و آگاهی از دشواری پدید آمده، نخست باید پرسمان خود را به گونه ی روشن باز نماید. بهتر است پرسمان به گونه ی پرسشی پیش کشده شود و از گزارش های آگاهی دهنده و یا فرازهای همادی و گنگ پیشگیری شود. در این گامه پژوهشگر از خود می پرسد انجام این پژوهش چه سودی دارد؟  
مهندی [اهمیت] این گامه در بررسی پژوهش دیگران است؛ به دیگر سخن بررسی پیشینه ی پرسمان و برآیندهای پژوهش دیگران یاری رسان پژوهشگر خواهد بود.  
با آگاهی از کار دیگران پی خواهد برد که پرسشی که برایش پیش آمده، آیا پاسخی به آن داده شده است یا نه؟

نمونه: سازه های [عوامل] کارساز در افزایش پُرنیش [جمعیت] شهر کرج در دهه ی کنونی چیست؟

### گام دوم فراهم آوری انگاره [فرضیه]

داشتن انگاره یکی از گامه های مهند پژوهش است، زیرا انگاره ها در هر پژوهش کارکرد راهنما را دارد و به کوشش هایی که باید انجام شود راهنماست.  
انگاره پاسخ پیشنهادی و گمان اندیشمندانه پژوهشگر به پرسش است.

پژوهشگر با نگرش به پرسمان خود، پیشنهادها و داده های نخستین را در چارچوب دشواری پژوهش خود پیش می نهد. انگاره های پژوهشگر به همار [میزان] دانش، آروین ها و پیشینه های پژوهشی در دسترس او بستگی دارد.

**نمونه:**

\* به نگر می رسد که زمینه های درخور کارگماری، شوند افزایش پُرنش [جمعیت] شهر کرج است.

\* به نگر می رسد که دستیاری های آموزشی، درمانی و سرگرمی شوند افزایش پُرنش شهر کرج است.

## گام سوم گردآوری آگاهی ها

گیتاشناسان برای پژوهش و پاسخگویی به پرسش های خود به ازدایش ها [اطلاعات] نیاز دارند و می کوشند ازدایش های بایا را از خاستگاه ها و روش های گوناگون به دست آورند.

1- روش نبیگخانه ای: [کتابخانه ای] این روش در هماد پژوهش های دانشیک کارساز است. در برخی از آنها کوشش پژوهشگر در نبیگخانه انجام می گیرد و در برخی دیگر تنها بخشی از پژوهش در آنجا انجام می شود.

**نمونه:**

\* پژوهشگر سالنامه ی آماری یک دهه را بررسی می کند و دگرگونی های پُرنشی شهر کرج را ارزیابی می کند. او با یاری فرتورهای پنادی [هوایی] و ماهواره ای، بالث نمای برونی شهر کرج را برآورد می کند.

2- روش میدانی: پژوهشگر در این روش برای گردآوری ازدایش ها ناگزیر است به جایی که نیاز به پژوهش است برود و با گفتگو با مردم و پیوند راسته [مستقیم] آگاهی های بایا را به دست آورد. او باید ابزار سنجش و آگاهی های خود رابه جایی که پژوهش می کند ببرد. پرسشنامه، همپرسی و دیده ها از ابزارهای گردآوری ازدایش های میدانی است.

**نمونه:**

پژوهشگر با شماری از شهروندان یکی از برزن های شهر کرج گفتگو می کند و با پردازش [توجه] به دگرگونی های جمعیتی به بررسی چرایی های پنهان دگرگونی ها هم می پردازد.

## گام چهارم: پردازش [توجه] و بررسی آگاهی ها

پس از گردآوری، برگیری و دسته بندی ازدایش ها، گامه ی پردازش، زدودن ازدایش - های نابایا و نگهداری آگاهی های در پیوند با پژوهش و واکاوی ازدایش ها آغاز می شود.

نمونه: درسد دگرگونی های پرینش و درسد کارکنان در یک دهه در شهر کرج با بهره -  
وری از روش های آماری جدایش و واکاوی [تجزیه و تحلیل] آغاز می گردد.

### گام پنجم: نتیجه گیری و پیشنهاد ها:

در گامه ی پنجم، پژوهشگر با برآیندهای به دست آمده از جدایش و واکاوی آگاهی ها، پاسخ پرسمان پژوهش را می یابد. او افزون بر پیش نهادن راین های دانشیک [دلایل علمی] به پذیرش و یا ازدن انگاره های خود می پردازد. چنانچه انگاره و یا انگاره های یک پژوهشگر پذیرفته نشود، پژوهشگر نباید دلسرد شود و بایاست که پژوهش را از سر گیرد.  
نمونه:

برآیند؛ میان درخواست نیروی کار در شهر کرج و کشش پُرینش در آن، پیوندی راسته [مستقیم] هستی دارد.  
پیشنهاد می شود که با نگرش به توانا یی های گیتاشناختی شهرهای پیرامون، کروگی های [صنایع] کوچک در آنجا پایه ریزی گردد.

## فرگرد دوم

### آموزه سوم

## گیتاشناسی پرهامیک [طبیعی] ایران

گیتاشناسی پرهامیک به پژوهش ساختار و پراکندگی پدیده های بهنجار رویه ی زمین می پردازد و در پی یافتن راه چاره برای از میان بردن دشواری های زیستگاه است. در این فرگرد با چگونگی [موقعیت] گیتاشناختی، سامه ها [شرایط] و ویژگی های ناهمواری - ها، آب ویناد [هوا] و آبشخورهای آب ایران آشنا می شوید.

### ایستار [موقعیت] گیتاشناختی ایران

جایگاه هر پدیده روی گوی زمین، ایستار گیتاشناختی [موقعیت جغرافیایی] آن پدیده است. ایستار گیتاشناختی هر کشور از دو دیدگاه شایان پژوهش است:  
ایستار انگارش [ریاضی]  
ایستار بازانی [نسبی]

### \* ایستار انگارش

جایگاه درست هر پدیده یا جا، با نگرش به درازا و پهنای گیتاشناختی ایستار انگارش آن جایگاه است.

ایران در پهنای [عرض] گیتاشناختی « بیست و پنج تا چهل » زینه [درجه] در نیمروز [جنوب] پهنه ی [منطقه] پلیمه [معتدله] نیمگوی ا پاختری [نیمکره ی شمالی] و هم چنین در « چهل و چهار تا شست و سه » زینه ی درازای خاوری - جای دارد. گستردگی کشور ما در این پهنه - ها، گوناگونی آب ویناد [هوا] را به همراه آورده است، و این گوناگونی در گونه های فرآورده - های کشاورزی و زیستگاه مایه پیشرفت کشور ما در کشاورزی بوده است.

### \* ایستار بازانی [موقعیت نسبی]

جایگیری هر جایگاه، وابسته به پدیده های زیستگاهی یا مردمی پیرامون خود، ایستار وابستگی آن جایگاه می باشد.

همه ی پدیده های ایستار «بازانی» دارند. آرمان از ایستار بازانی هر کشور، جایگیری آن در وابستگی با دیگر کشورها، دریاها، تنگه ها، آبراهه ها، سرچشمه های بومداتی و جزآن است.

## ایستار بازانی ایران

[موقعیت نسبی]

ایران به شونند جایگیری در نزدیکی شاخاب پارس [خلیج فارس]، دریای مکران [عمان]، تنگه ی هرمز و نیز دریای خزر از ایستار بازانی برتری برخوردار است.

**شاخاب پارس** به راین های [دلایل] زیر بسیار مهند [مهم] است.

\* ارزش و کارکرد رسانشی [ارتباطی] میان سه خشکسار افریقا، اروپا و آسیا که در گذشته بسیار مهند بوده است، اکنون نیز همچون پرهونی از زنجیره ی ترابری و جابجایی کالا و نفت، جایگاه خود را نگه داشته است.

\* بزرگترین سرچشمه نیروی [انرژی] جهان، پشتوانه ی با ارزشی دارد، زیرا کم و بیش «شست و شش» درسد بنمایگان [منابع] نفت جهان و «بیست و هشت» درسد بنمایگان گاز را در خود جای داده است.

\* درآمدها و دلارهای ناشی از فروش نفت خام، گستره ی «شاخاب پارس» را به یکی از کانون های توانمند و سرمایه دار جهان در آورده است و این بازار گسارش [مصرف] — بزرگ، آنرا به کانون داد و ستد کالا های مویندی [صنعتی] و نامویندی دگر کرده است.

\* این گستره ارزش فرهنگی و ساستاری [سیاسی] دارد زیرا شاخاب پارس در میانگاه کوسته ی [ناحیه] گیتاشناختی و ساستاری خاورمیانه جای دارد.

کوده ی [مجموعه] این ارزش ها پردازش [توجه] کشورهای بزرگ جهان را در گذشته و امروز به سوی شاخاب پارس کشانیده است؛ زیرا چیرگی بر همه و یا هر یک از این فتادهای [موارد] همسنگی ی [موازنه] راهبری و فرمانروایی را در جهان دگرگون می کند. ایران از کشورهای مهند در گستره ی شاخاب پارس است. سازه های [عوامل] پرهامی [طبیعی] و مردمی، چگونگی ویژه یی برای کشور ایران پدید آورده است.

**تنگه ی هرمز:** آبراهه ی کمانی دیسه ای است که آب های آزاد دریابار [اقیانوس] هند و دریای مکران [عمان] را به شاخاب پارس می پیوندد. این تنگه به شونند [دلیل] اینکه دروازه - ی برون رو [خروجی] نفت شاخاب پارس است، مهندترین [مهم ترین] آبراهه ی راهبردی و یکی از گذرگاه های بازرگانی مهند جهان است.

**دریای مکران** [عمان]: با نگرش به نزدیکی به آب های آزاد، دسترسی به دریابار [اقیانوس] هند و بودنش توانایی های پدافندی [دفاعی] از نگرش بومداتی، بازرگانی و ارتشی ارزش بسیاری برای ایران دارد.

**دریای خزر:** بزرگترین پهنه ی آبی پرّوست [محصور] در خشکی به شوند سرچشمه های [منابع] نفت و گاز، «نود درسد» خاویار جهان و دسترسی به بازار بهره برداری 300 میلیون مردمان کشورهای آسیای میانه از جایگاه کمابیش بالایی برخوردار است.

## مرزهای کشورداری و ساستاری

[سیاسی]

همانگونه که می دانید، مرز مهندترین سازه ی [عامل] بازشناخت و جدایش هر کشور از کشور همسایه است و نشان می دهد که سرزمین یک کشور تا کجا گسترده است. ایران کشور گسترده یی است که مرز هنباز آن با کشورهای همسایه نزدیک به (هشت هزار و هفتصد و سی و یک) کیلومتر می باشد. ایران با پانزده کشور مرز هنباز خشکی و آبی دارد.

یکی دیگر از مرزهایی که دسترسی و پیوند با دیگر کشورها را شدنی می سازد، راه - های پناذی [هوایی] است.

شماری از کشورها به شوند نزدیکی با دریاها و دریاچه ها، شایش [امکان] دسترسی به راههای دریایی را دارند. کشورما نیز از راه راههای آبی با دیگر کشورها در پیوند است. راه های آبی شایش دادو ستد بازرگانی بیشتری را فراهم می کند.

دسترسی به آبهای آزاد برای هر کشور افزون بر پیوند با دیگر کشورها، دستیابی به بنمایه های خوراکی و سرچشمگان کانی و سوخت های سنگواره ای را نیز فراهم می - کند.



## ناهمواری های ایران

سرزمین ما، دارای روستاها و شهرهای بسیار است. ولی پراکندگی آنها در همه جای کشور یکسان نیست. از دشت های کمابیش هموار درونی و جلگه های سرسبز کنارهای دریای خزر، از کوههای البرز تا زاگرس، جلگه های کناره ی «شاخاب پارس» و دریای مکران، خانه ها و زیستگاه های [سکونت گاه] در شهر و روستا ساخته شده است. شمار این خانه ها و زیستگاه ها در بخش های پایکوهی بیشتر و پُرینش [جمعیت] در آنها فشرده تر است.

### مهندی [اهمیت] ناهمواری ها

نگاهی ژرفنگر به رهنامه ی [نقشه] ناهمواری های ایران نشان می دهد که بخش بزرگی از سرزمین ما را کوسته های [نواحی] کوهستانی فراگرفته است. اگرچه بلندای کوه ها در برخی جاها کمتر و در برخی کوسته ها بیشتر است؛ این ناهمواری ها بر پدیدآوری چپبرگان [اجتماعات مردمی]، روش زندگی مردم و پیشا [حتی] بر سر - نوشت کشور ما، پیروزی یا ناکامی ها در گذشته نیز هنایش گذار بوده است. (برای نمونه «آریوبرزن» سردار دلاور ایرانی با بهره مندی از تنگه ی تکاب در بلندی های زاگرس (جایی در استان کهگیلویه و بویر احمد کنونی) در برابر یورش اسکندر مقدونی از ایران پدافند کرد).

### پیدایش ناهمواری های ایران

در درازای چرخه های [دوران] زمین شناسی، ناهمواری های بسیار پدید آمده است. ناهمواری های ایران بیشتر در چرخه های نخست و سوم زمین شناسی رخ داده است و پیدایش نهایی آنها به فرجامین چرخه سوم زمین شناسی (سنوزوییک) وابسته است. پس از فرجامین دگرگونی ها در این چرخه، به هنگام چرخش «کواترنر» \* ناهمواری - های کشور ما ریخت نهایی یافته است. از آن پس به هنایش سازه های [عوامل] فرسایش در ریخت آنها دگرگونی پدید می آید. این سازه ها (آب های روان، باد، دوگانگی دما و یخچال ها) به همراه کارکرد و کنشوری مرتوگان و بهره برداری های گوناگون از پیرامون، شتاب دگرگونی را افزایش داده است و مایه دگرگونی ریخت ناهمواری های ایران شده است.

---

\* چرخش کواترنر به فرجامین زمان های زمین شناسی گفته می شود که کمابیش «دو و نیم» میلیون سال پسین را دربر می گیرد و در درازای آن، چرخه های یخچالی و میان یخچالی، چرخه های بارانی و خشک پدیدآمده است و هنایش بسیار بر ناهمواری ها برجای گذاشته است. گسترش زندگی مرتوگان [انسان] و شهرنشینی هم مایه دگرگونی بسیار در ناهمواری ها بوده است.

## گروه بندی [تقسیمات] ناهمواری های ایران

با نگرش به رهنامه ی [نقشه] پراکندگی ناهمواری های ایران، می توان بخش هایی را در آن بازشناخت.

\* سرزمین های کوهستانی که بیشتر بیش از هزار متر از رویه [سطح] دریاهای آزاد فرازا [ارتفاع] دارند.

\* سرزمین های پست و هموار که در برگیرنده ی دشت ها در کوهستان های درونی و جلگه - های کم بلندا در کناره های دریاها می باشند.

### سرزمین های کوهستانی

با نگرش به کارنامه ی [تاریخچه] زمین شناسی، دگرگونی های ناهمواری ها، ریخت و پراکندگی کوهستان های ایران را می توان به گونه زیر بخش بندی کرد:

\* گستره [منطقه] کوهستانی اپاختر [شمال] کشور در برگیرنده ی:

- **گستره ی کوهستانی آذربایجان:** دو رشته کوه ارسباران (قره داغ) در اپاختر و رشته کوه مرزی ایران و ترکیه، اپاختر [شمال] و باختر این گستره [منطقه] را در برگرفته است. افزون بر این کوه ها، دو توده ی کوهستانی مهند دیگر، به نام های سهند و سبلان به هنایش نا آرامی های آتشفشانی در این گستره هستی دارند.

- **گستره ی کوهستانی تالش:** کوهستان های تالش با سوی اپاختری - نیمروزی [شمالی - جنوبی]، گستره ی آذربایجان را از کناره های دریای خزر جدا کرده است. شیب این کوه ها به سوی خزر بیش از گستره ی آذربایجان است و آب های روان از آنها به دریای خزر می ریزد.

- **گستره ی کوهستانی البرز:** آغاز کوه های البرز از تنگه ی منجیل است و در دنباله خاوری - باختری [غربی - شرقی] به کوه های «شاه کوه» در نزدیکی شاهرود و گردنه ی «خوش بیلاق» پیوسته اند. دامنه ی این کوه ها به سوی اپاختر [شمال] و نیمروز [جنوب] است و در آن دره های گسترده و ژرفی هست که رودهایی چون چالوس و هراز در آنها - روان است. بخش بزرگ این چین خوردگی سترگ؛ برآیند کوه زایی ماتک های ته نشسته در درازای میلیون ها سال است. ناآرامی های آتشفشانی در چرخه ی «کوآترنر» مایه ریخت گیری چکاد دماوند در این رشته کوه شده است. و چکاد های دیگری چون علم کوه، تخت سلیمان و توچال در این رشته کوه، درخور کوهنوری است. پایگاه های پرینشی بسیار در راستای کوهستان های البرز برپاشده است و یکی از پایگاه های مهند کوشندگی و کارکردهای بومدانی [اقتصادی] کشور به شمار می رود.

## گستره ی پویای [فعال] البرز

گسترش شهرهای آباد و پیشرفته در ترازداری [اقتصاد] مانند تهران، کرج، ساختن راههای پیوندگاهی [ارتباطی] ساختن آب بست ها [سدها] و بهره برداری از رودها و گسترش کوشندگی های کشاورزی گوناگون و بهره برداری از کان های فراوان کوه های البرز، ناهمواری های این گستره ی کوهستانی را نا پایدار کرده است. کوده ی این کوشندگی هادستاویز آن شده که دامنه ها، دشت ها، و رودهای این گستره دگرگون شده و در ازای دهه ها چهره ی دیگری به خود بگیرد، و گاه مایه ی ریزش و لغزش راه ها و دامنه ها، لرزش های سبک یا گسترده زمین و خروش رودها و بروز تنداب و جزآن شود.

- **کوه های اپاختر خراسان:** این کوه ها به گونه ی به سامان و همراستا [موازی] در اپاختر خاوری ایران جای دارند. از رشته کوه های مهند اپاختر خراسان، می توان هزار مسجد، آلاذغ و در پیرامون نیشابور، بینالود را نام برد.

### - گستره ی کوهستانی باختری (زاگرس)

چین خوردگی های دیواره مانندی با دره های همراستا و به درازای سدها کیلومتر، چشم - انداز کوسته های [نواحی] کوهستانی باختری کشور از مریوان در کردستان را در راستای «اپاختر باختری - نیمروز خاوری» [شمال غربی - جنوب شرقی] تا تنگه ی هرمز پدید آورده است.

### زاگرس چگونه پدید آمده است؟

رشته کوه زاگرس از برخورد دو آبخوستواره عربستان و اوراسیا پدید آمده است. این چین خوردگی ها پس از پیدایش به گونه ی نخستین خود نمانده اند و در درازای میلیون ها سال به شوند فرسایش دگرسانی بسیار در آنها رخ داده است. یکی از زیباترین و پرکارترین پدیده های رشته کوه زاگرس گنبد های نمکی است.

**گنبد نمکی:** توده یی از نمک به ریخت گنبد است که به هنایش سازه های [عوامل] درونی و گرانش ویژه [وزن مخصوص] کمتر نمک در سنجش با ته نشست های پیرامون خود بالا می آید.

## سازه های دگرش ساز زاگرس در این زمان

[عوامل تغییر دهنده ی زاگرس]

**\* سازه های بهنجار زیستبوم:** رودهای بسیاری از زاگرس سرچشمه می گیرند. گذر آب در این رودها به شوند دگرگونی های کوسته ای [اقلمی] دچار نوانش هایی [نوسان] شده است و از چگونگی به سامان به چگونگی ناهامان و خروشان سخت دگرش یافته است. ریزش های پیاپی جوی ها شوند فرسایش کوه ها می شود و ماتک های کوه را با خود می برد. در سه دهه ی گذشته خروش در رودهای پیرامون زاگرس بیش از گذشته شده است، و در پی آن جا بجایی ته نشست ها با گذر رودها شوند پدید آمدن ریخت های نوین در ناهمواری ها شده است. توفان های گرد و خاک از دیگر سازه ها [عوامل] در دگرگونی ریخت ناهمواری است و تندبادها در این گستره بیشتر شده است و گمان می رود که در استان های زاگرسی مانند (خوزستان، لرستان و ایلام) افزایش یابد.

## \* سازه های مردمی

بر روی رودهای پیرامون زاگرس بندهای [سد] بسیار برای پیشگیری از آشوب و خروش آب، فرآوری کهربای [برق] آبی، ساماندهی برای آبیاری زمین های کشاورزی و بهره - برداری های کروگی [صنعتی] و یا فراهم آوردن آب برای نیاز شهرها و روستاها ساخته شده است.

از سوی دیگر شهرهای بسیار در کناره ی رودها گسترش یافته است که مایه برهم خوردن ترازمندی گذر رودها به هنایش دستکاری های مرتوگان مانند: ( دیوار بندی، پل سازی، ساختن آبراه، پوشاندن روی رودها و ریختن گندابهای شهری و جزآن) در کوسته های [نواحی] شهری شده است و در برآیند شوند برون ریزی رودها از بستر خود می شود و شهرها در سیج [خطر] خروش و لاخلیز [سیلاب] خواهند بود.

نمونه های بسیار از این لاخلیزها در زاگرس در استان لرستان و ایلام در سال های پسین دیده شده است و افزایش ته نشست ها مایه ی گسترش « لاخلیز دشت ها» می شود و گذر رودها را به دگرسو می کشاند.

ساختن راه ها، نابود کردن جنگل ها، و بهره برداری نابخردانه از زمین های کشاورزی در کوسته های شهری و روستایی زاگرس، همراه با گسترش شهرها و روستاها به زیان دامنه ها، دره ها و دشت ها بوده است و از دیگر سازه های [عوامل] مردمان در دگرسانی ریخت ناهمواری ها در زاگرس، در پنجاه سال پسین به شمار می آید.

## گستره ی کوهستانی وندساری [مرکزی]

\* اگر سه پنده ی [نقطه] کوه جغتای در خراسان، گردنه ی آوج در استان قزوین و چکاد کوه بزمان در سیستان و بلوچستان را به یکدیگر پیوند دهیم سه گوشه ای به دست می آید که گستره ی کوهستانی وندساری نامیده می شود. ناهمواری های این گستره دو گونه است: بخشی کوه های چین خورده که به آنها کوه های وندساری گفته می شود و برخی توده های رهیافتی آذرین که به آنها کوه های تکین میانی می گویند.

## کوه های خاور و نیمروزخاوری

[شرق و جنوب شرقی]

\* در نیمروز [جنوب] استان سیستان و بلوچستان و پیرامون چاله ی جازموریان در کرمان گستره ی «مکران» جای دارد که در آن رشته کوه های «بشاگرد» و پیرامون آن با بلندای کم و فرسوده ای جای دارد. در این کوه ها فرسایش ریخت های زیبایی با دره ها، گودال ها و چاله ها پدید آورده است که آنها را «ناهمواری های مریخی» ویا ( کوه های مینیاتوری) می نامند.

در استان های هرمزگان و نیمروز [جنوب] استان سیستان و بلوچستان و در بازه ی این ناهمواری ها تا دریای عمان، چندین «گل فشان» پدید آمده است که مانند چشمه های گلی می جوشد.

**گل فشان:** گل فشان ها به ریخت گنبدی سروین [مخروطی] و در برخی جاها به گونه ی آبگیرهای پر گل دیده شده اند. گل فشان ها به شوند برون شدن گاز و مهتاب [بخار] از ژرفای زمین به بالا می جهند.

## ارزش های بومداتی کوسته های [نواحی] کوهستانی

کوسته های کوهستانی در زندگی مردمان آن گستره ها، ارزش فراوان دارد. برخی از این ارزش ها در کوسته های کوهستانی: پستا های [ذخائر] آب، کان ها و اندوخته های زیستبومی و دامداری می باشد. بهره برداری از توانایی ها و پستاهای کوسته های کوهستانی باید با نگرش و شناخت ژرف زیستگاه و پژوهش های کارشناسانه انجام گیرد، وگرنه دشواری های بسیار هم برای زیستگاه و هم مردمان به همراه خواهد داشت.

## سرزمین های هموار

سرزمین های هموار در بر گیرنده ی: دشت ها - جلگه ها

### 1- دشت ها

دشت ها سرزمین های هموار یا کمابیش همواری هستند که پَرَوَسْتی [حصار] کوهستانی آن ها را فرا گرفته است.

### انگیزگان [علل] پیدایش دشت ها

- \* برخی دشت ها در هنگام چین خوردگی ها و در میانه ی تاکدیس ها [تاقدیس] ویا میان ناودیس ها پدیدآمده اند (دشت کاکان در فارس).
- \* برخی از دشت ها به هنایش انباشت ماتک های برآمده از فرسایش در کوسته های پست پدید آمده اند (دشت نهاوند).
- \* پاره یی از دشت ها دستاورد از هم پاشیدگی ماتک های آهکی در کوسته های پست پدید آمده است. (دشت نهاوند).
- \* برخی از دشت ها از دوران های زمین شناسی بسیار دیرین برجای مانده اند، ولی در روی آنها ناهمواری های نوین به هنایش فرسایش های بادی پدیدآمده است (دشت لوت).

### انگیزگان دگرسانی دشت ها

- \* انگیزگان زیستبوم : امروزه دگرگونی های آب و پناد [هوا] که نشانه های آن را می توان دگرگونی در پراکندگی ریزش جوی ها، بروز توفان ها، تندبادها و خشکسالی دانست، نه تنها در بسیاری از سرزمین های جهان، که در کشور ما و کوسته های پست درونی شوند دگرسانی ناهمواری های کنونی می باشد.
- توفان ها و تند بادهای سخت مایه ی فرسایش و جا به جایی ماتک ها [مواد] در دشت ها می شود، و تپه های ماسه یی و دیگر پدیده های زیستبوم مانند شوره زارها، بستر رودها و دشت های ریگی را از نگرش پهناوری و جا دگرگون می سازد.
- رودهای این کوسته ها نیز با خروش و بالآمدگی چرخه ای خود، شوند جابه جایی ماتک - ها و بروز دیسه های نوین می شود.

- \* انگیزگان مردمی : بهره برداری های مردمان و کاربری زمین ها، بوته کنی و از میان بردن پوشش های گیاهی، دست کاری نابخردانه در آبراه ها و گذرگاه رودها، ساختن نا - سگالیده راه ها، و بهره برداری نادرست و بیش از اندازه از کان ها و بنمایگان زیستبوم، از دیگر شوندهای [دلایل] فرسایش در کوسته ها و دشت ها است.

## ارزش های بومداتی دشت ها

- گیرایی های گردشگری
- بهرمندی از نیرو و کارمایه های پاک، مانند نیروی خورشید و باد
- کوپرنوردی، زورآزمایی های ورزشی
- کان های گچ، نمک و ماتکان ساختمان سازی
- کوشندگی های کشاورزی

## 2- جلگه ها

جلگه ها سرزمین های همواری هستند که یک سوی آنها را کوه ها و سوی دیگر را دریاها و دریاچه ها فرا گرفته اند. **شوند پیدایش جلگه ها:** مهندترین شوند پیدایش جلگه ها، ساختمان زمین، ایستادگی سنگ ها، ژرفای آب و انبوهی آبرفت است. در کنار همه ی دریاها، دریاچه ها و رودهای پر آب جلگه ها دیده می شود، و به شوند بارور بودن خاک، پُرینش [جمعیت] بسیار به خود راه می دهد. نام جلگه های از اپختر به نیمروز: جلگه ی مغان - جلگه ی تخته رود - جلگه ی میاندوآب - جلگه ی گیلان - جلگه ی مازندران - جلگه ی گرگان - جلگه ی خوزستان - جلگه ی کناره ی شاخاب پارس - جلگه ی میناب، جلگه ی پاهوکلات، جلگه ی کناره ی دریای مکران [عمان] است.

## انگیزگان دگرسانی جلگه ها

**انگیزگان زیستبومی [طبیعی]:** خروش و کوهه های دریا ( فراکشند و فروکشند، توفان های دریایی، سونامی و جنبش و لرزش پیایی آب دریاها) از انگیزگان زیستبوم است که خواه ناخواه، پهنه های کناره ای را دگرگون می سازد. ریزش تند و پر جوش و خروش رودها که به دریا هومی ریزد نیز نهشته ها و آبرفت های فراوانی را در جلگه های کناره - ای دچار دگرگونی می کند.

**انگیزگان مردمی:** در کوسته های کناره ای با ساخت باراندازه، بندرسازی، دیواره سازی، راهسازی روی جلگه ها، دگرگونی های بسیار بارآورده است. گسترش شهرها و روستاها شوند از میان رفتن زمین های کشاورزی و جنگلی و دگرسانی گسترده در بخش های کناره دریاها در ایران بوده است.

ارزش بومداتی جلگه ها: جلگه ها بهترین جا های کشاورزی در کشورمان هستند، افزون براین، جلگه های کناره ای پاختر[شمال] و نیمروز[جنوب] از نگرش پیوندهای بازرگانی، کان های نفت و گاز و پرورش آبزیان از ارزش ویژه یی برخوردار می باشند.



## آب و پناد ایران

### پناد شناسی و پیش بینی چگونگی پناد

یکی از سازه های [عواملی] که بر شیوه ی زندگی و کار و کوشش مردمان و پیشرفت در برنامه های هر کشور هنایش فراوان دارد، آب و پناد است. پردازش [توجه] به اب و پناد در برنامه های پیشرفت هر کشور و پهنه سرنوشت ساز است. در پناد شناسی کوشش می شود که بنمایه ها [عناصر] و سازه های پدیدآورنده ی پناد مانند بارش برف و باران، باد، دما و... شناسایی شود تا در برآیند [نتیجه] بتوان چگونگی و چونی پناد را در زمانی کوتاه پیش بینی کرد. آب و پناد به کوده ی [مجموعه] چگونگی های اندروای [جوی] در یک گستره گفته می شود. مانند: آب و پناد استان خراسان نیمروزی گرم و خشک است.

امروزه مردم برای کارهای گوناگون مانند رهنوردی [مسافرت] به پیش بینی چگونگی پناد پرنگر و نیازمندان. سازمان پناد شناسی کشور با بهرمندی از آگاهی های روزانه، مانند: فشار، نمناکی و دما رهنامه های [نقشه] پنادشناسی آماده می کند و با یاری نگارک های [تصویرها] پی در پی ماهواره ای، گذر توده های پناد را پس از دیسه گیری میانگاه های کم فشار و پرفشار،\* در چند روز، پیگیری می کند. با نگرش به گونه ی توده ی پناد، شتاب و به راستای [جهت] آنها، کارشناسان پناد شناسی می توانند چگونگی پناد و دگرگونی های آن را برای روزهای آینده پیش بینی کنند.

امروزه با پیشرفت پیوندها و فناوری می توانیم از راه سازمان پناد شناسی و نرم ابزار- های گوناگون که روی رایانه به آسانی در دسترس است، به پیش بینی چگونگی پناد درشها، روستاها و دیگر کشورهای جهان دست یابیم.

---

\* کانون های کم فشار پرفشار، توده های بزرگی از پناد هستند که پس از دیسه گیری درگذرهای ویژه بی به حنبش در می آیند. شدنی است که این توده های پناد نمناک و یا خشک باشند و در گستره های زیر گذرشان در زمانی کوتاه هنایش [اثر] داشته باشند.

\* گذر کانون های کم فشار پناد ابری و بارانی را بهمراه می آورد و هسته های پرفشار، پناد آرام و پایدار را پدید می آورند.

## انگیزگان هنایشگربر آب و پناد ایران

[عوامل موثر هوا]

در کشور ما ناهمسانی دمای سردترین و گرمترین بخش ها و کوسته ها [تواهی] بسیار است. هنگامی که در اپاخترباختری و باخترکشور پناد سرد است در نیمروز کشور پناد گرم است. برای نمونه زمانی که در اردبیل پناد سرد است و برف می بارد، در شاخاب [خلیج] پارس و دریای مکران [عمان] پناد بهاری است.

یا زمانی که در بندر انزلی بیش از «هزار و هشتصد میلی متر» بارش را در یک سال دارند، در شهر میرجاوه در استان سیستان و بلوچستان بارشی کمتر از «پنجاه میلی متر» دارند. این گوناگونی آب و پنادی شوند گوناگونی چشم اندازها شده است؛ به گونه ای که ایران به کشور چهار واره [فصل] شناخته شده است.

**بگونه ی همدای [کلی] گوناگونی آب و پناد کشور را می توان در سه سازه [عامل] بررسیید.**

### 1- ایستار گیتاشناختی

[موقعیت جغرافیایی]

پهنای [عرض] گیتاشناختی، کانون های پرفشار گرمسیری و دوری و نزدیکی به دریاها، مهندترین سازه ها برآمده از ایستار گیتاشناختی است که بر آب و پناد کشور هنایش دارد.

**- پهنای گیتاشناختی:** در کوسته های [تواهی] نیمروزی [جنوبی] کشور که در پهنای پایین گیتاشناختی جای دارند (به استوا نزدیک ترند) گوشه ی [زاویه] تابش خورشید هنگام نیمروز نزدیک به ستونی [عمود] است و به همین شوند در این کوسته ها پناد گرمتر است، مانند : استان های هرمزگان، و نیمروز [جنوب] سیستان و بلوچستان. ولی در بخش های اپاختری کشور که در پهنای بالای گیتاشناختی جای دارند و گوشه ی تابش خورشید خمنده تر است تابش خورشید کمتر و پناد سردتر است. در کشور ما به گونه ی میانگین اندازه ی دما از اپاختر به نیمروز بیشتر می شود.

**- جایگیری ایران در کمر بند پرفشار گرمسیری:** در کوسته های نیمروزی کشور نزدیک آب های شاخاب پارس و دریای مکران بارش باران بسیار کم است. در پیرامون «استوا» به شوند گرم بودن و بالاروی پناد [هوا]، کمر بند کم فشار گرمسیری پدید می آید و دارای آب و پناد گرم و نمناک است. کوسته هایی که در بخش پرفشار پهلوگاه [جنب] گرمسیری جای دارند به شوند سنگینی و فرونشینی پناد دارای آب و پناد گرم و خشک می باشند که بازدارنده ی پدیدآوری ابر و بارندگی می شود.

مهندترین [مهمترین] کمر بندهای خشک و بیابانی گوی زمین به هنایش سازه ی پرفشار پهلوگاه

گرمسیری و سوزان [حاره ای] پدیدآمده است که کشور ما هم درون این کمربند خشک جای دارد. سازه‌ی پرفشارپهلوگاه گرمسیری در تابستان به دورن کشور پیشروی می‌کند و بازدارنده ریزش باران در چرخه‌ی گرم سال می‌شود.

**- نزدیکی به دریاها و دوری از آن:** نزدیکی به دریاها و دوری از آن در آب و پناد کشور دو هنایش گوناگون دارد. در کناره‌های بخش‌های اپاختر کشور، دریای خزر در افزایش بارش کارکرد مهندی دارد ولی شاخاب پارس و دریای مکران به راین [دلیل] ناشایمند بودن برشدن پناد نمناک، دربارش کناره‌های نیمروزی کارکرد چندانی ندارند و مایه شرچی شدن پناد می‌شوند. در کوسته‌های درونی کشور به شوند دور بودن از دریاها و کمبود نمناکی ناهمسانی دما بسیار است. ولی در کوسته‌های کناره‌ای اپاختر و نیمروز کشور ناهمسانی دما کمتر است.

## 2- سنجش بلندای راستای کوهستان‌ها

با افزایش هر هزار متر بلندای در لایه‌ی «تروپوسفر» نیوار [جو] زمین دمای پناد [هوا] به گونه‌ی میانگین نزدیک به شش زینه‌ی سانتیگراد کاهش می‌یابد. براین پایه در کوسته‌های کوهستانی کشور، آب و پناد سرد تر و در دشت‌های درونی که بلندای کمتری دارند آب و پناد گرم تر است. سوی و راستای رشته‌کوه‌های بلند مانند البرز و زاگرس نیز در پراکندگی گیتاشناختی بارش کشور هنایش دارد. این شوند بارش‌های بیشتر در دامنه‌های اپاختری البرز و دامنه‌های خاوری زاگرس شده است.

## 3- راهیابی توده‌های پناد [هوا] به کشور

توده‌ی پناد، گنجایش بزرگی از پناد است که ویژگی آن به ویژه از نگرش دما و نمناکی، در رویه ستانی [افقی] در سدها کیلومتر کم و بیش همسان می‌باشد. در سال توده‌های پناد به درون کشور ما راه می‌یابند و هنایش بسیار دردگرگونی آب و پناد کشور دارند. این توده‌ها در برگیرنده‌ی توده‌ی پناد خاوری، توده‌ی پناد سیبری، توده‌ی پناد سودانی، توده‌ی پناد گرم و خشک و توده‌ی پناد نمناک واره‌ای [موسمی] است. مهندترین سامانه‌ی بارشی در ایران، توده‌های پناد نمناک خاوری است که در زمان سرد سال به درون کشور راه می‌یابد و شوند ریزش برف و باران می‌شود.

## توده‌های پناد که در درازنای سال به کشور ما راه می‌یابند

**- توده‌ی پناد سرد و خشک سیبری:** هنگام سرما به درون ایران راه یافته و مایه سردی و خشکی پناد در زمستان و شوند بارش در کناره‌های دریای خزر می‌شوند.

- **توده ی پناد نمناک خاوری:** نمناکی دریای مدیترانه و دریابار بزرگ اتلس را به هنگام سرما به درون ایران می راند و برف و باران به همراه دارد.

- **توده ی پناد سودانی:** گاهی به هنگام سرد سال نمناکی دریای سرخ به کشور ما راه می - یابد و شوند بارندگی می شود.

- **توده ی پناد گرم و خشک:** در تابستان پناد گرم از عربستان به درون ایران رخنه می کند و شوند افزایش بسیار دما می شود.

- **توده ی پناد نمناک واره ای [موسمی]:** برخی سال هنگام گرما از دریابار [اقیانوس] هند به ایران رخنه می کند و مایه ی باران های لاخلیزی در نیمروز خاوری ایران می شود.

## گونه های آب و پناد ایران

دما، بارش و فشار پناد از مهندترین [مهمترین] داده های پنادشناسی هستند که در ایستگاه های پناد شناسی سینوپتیک (هم دیدبانی) در گستره های گوناگون کشور هم زمان با دستگاه هایی مانند دماسنج، باران سنج، فشار سنج اندازه گیری می شوند. داده های به دست آمده در رایانه بایگانی می شود و سپس با موشکافی ویژه کاران و کارشناسان پناد شناسی برآیند کار به گونه ی رهنامه [نقشه] نشان داده می شود. چون میانگین سالانه ی بارش، دما و نمناکی پناد در کوسته های گوناگون کشور یکسان نیست، کارشناسان کشور را به چهار کوسته ی گوناگون آب و پنادی بخش کرده اند.

### گونه های آب و پناد کشور و ویژگی های بنیادین آن.

\* **آب و پناد گرم و خشک:** بارش کم و خشکی پناد - ناهمسانی بسیار دما - کمبود پوشش گیاهی - و شمیدن [بخار شدن] بسیار.

\* **آب و پناد کوهستانی:** افزایش بارندگی و کاهش دما با افزایش بلندا - میانگین دمای پایین بارندگی بیشتر بارش برف.

\* **آب و پناد گرم و شرجی:** بارندگی اندک - نمناکی بسیار بالا - میانگین دمای بالای سالیانه.

\* **آب و پناد پلیمه یی خزری:** بارندگی بسیار - ترازینه [اعتدال] دما در درازنای سال - پوشش گیاهی فراوان.

## انگیزگان به هستی آمدن بیابان ها در ایران

در گستره های درونی، نیمروزی و خاوری کشور ما کوسته های خشک و بیابانی جای دارند. بارندگی کم و نابسامان، فراوانی توان مهتاب [بخار] شدن و کمبود پوشش گیاهی، از ویژگی های بنیادین کوسته های خشک و بیابانی است.

### انگیزگان زیر درپدید آمدن بیابان های ایران

- \* پرفشار پهلוגاه [جنب] تفسانی [حاره ای]
- \* سویگاه [جهت] رشته کوه های البرز و زاگرس
- \* دور بودن از دریا ها و بنمایگان نمناکی

**دشت کویر:** چگونگی آب و پنادی [هوایی] در کوسته های میانی ایران به گونه یی است که یکی از بزرگترین کویرهای جهان را پدید آورده است. کویر بخشی از بیابان است و به نمزارهای پف کرده یی گفته می شود که بسیاری و شمش [تبخیر] مایه ی بنیادین ریخت - گیری آن است. بخش بزرگی از دشت کویر، بیابان است و میانگین بارش سالیانه آن از «پنجاه میلی متر» کمتر است.

**بیابان لوت:** یکی از خشک ترین بیابان های ایران و هم چنین یکی از گرمترین پهنه های [مناطق] گوی زمین است. بیابان لوت در نیمروزخاوری [جنوب شرقی] ایران است. بخش بزرگی از این بیابان به شوند جایگیری در گستره ی پرفشار پهلוגاه تفسانی [جنب حاره ای]، کمتر از «سی میلی متر» باران دارد. بیابان لوت در روز بیست و هفتم تیرماه هزارو سیصد و نود پنج در پهرست مانداک [میراث] جهانی یونسکو جای گرفت.

## آب و پناد چه هنایشی می تواند بر زندگی ما داشته باشد؟

هر چند پیشرفت فناوری هنایش سازه های آب و پناد را بر شیوه ی زندگی آدمی کمتر کرده است؛ هنوز هم آب و پناد مهندترین انگیزگان سازمان دهنده در کار و کوشش روزانه و هم چنین دیرزیوی در زندگی مرتوگان [آدمی] است. آب و پناد در کشاورزی، گردشگری، کارهای مهرازی، ترابری، فشردگی پُرنش [جمعیت] و تندرستی ما هنایش بسیار دارد. افزون بر ان درگزینش جامه و یا گزینش جای زندگی نیز هناینده است.

## آب و پناد و مهرازی [معماری]

آب و پناد بر مهرازی هنایش فراوان دارد. در کشور ما به شوند گوناگونی آب و پناد مهرازی های ناهمگون در کوسته های گوناگون دیده می شود. در گذشته، مردم به هنایش آب و پناد در ساختمان سازی پرنگر [متوجه] بودند و به همین شوند درون خانه هایشان آرامش بیشتر داشتند و نیز به کارمایه [انرژی] کمتری نیازمند بودند.

## آب و پناد و سامانه های ترابری

برای کاهش دُشامد [سانحه] در راه ها، پردازش [توجه] به پیش بینی چگونگی پناد راهکار بسیاردرخوری است. ژرف نگری به چگونگی نیواری گستره در پروژه های راه سازی و نمودار سازی سامانه های ترابری بسیار مهند است. با آگاهی از چگونگی آب و پناد می - توان زیان های رخدادهای سیجناک راه ها و بزرگراه ها را کاهش داد. برف سنگین، ریزش بهمن، لاخلیز [سیلاب]، یخ بندان و پدید آمدن مه از مهندترین دُشامد های راه ها در کشور است.

## آب و پناد و تندرستی

یکی از شاخه های دانش گیتاشناختی، گیتاشناسی پزشکی است. گیتاشناسی پزشکی در زمینه ی پراکندگی هنایش های سازه های [عوامل] زیستگاه بر تندرستی مردمان پژوهش می کند؛ برای نمونه : فزونی آلودگی پناد شهرها و کوسته های کِروگی [صنعتی]کشور و یا آلودگی پناد استان های نیمه ی باختری کشور به شوند ریزگردها، برای تندرستی تنی و روانی شهروندان آن کوسته ها آسیب رسان است.

## دشواری های پیرامونی زیستگاه به شوند گوناگونی چگونگی آب و پنادی

آلودگی پناد، بیابان زایی، خشکسالی، و افزایش دما، دشواری های پیرامونی زیستی در پیوند با آب و پناد است که در سالهای کنونی، کشور ما و دیگر کشورها ی جهان با آن روبرو شده اند. این دشواری ها نشان دهنده ی هنایش آسیب زای کوشندگی ها و رفتار نادرست مرتوگان بر آب و پناد است.

## وارونگی دما

وارونگی دما چیست؟ در لایه ی نخستین نیوار [جو]، ( تروپوسفر) با افزایش بلندا از رویه - ی زمین، دمای پناد کاهش می یابد؛ از این رو در زمان بهنچار، پناد نزدیک رویه ی زمین گرم تر و سبک تر از لایه های بالایی است و به آسانی می تواند به سوی بالا اوگ [اوج] گیرد و جا به جا شود. ولی در ماه های سرد سال چگونگی باژگون می گردد، در این چگونگی پناد سرد و سنگین تر در نزدیکی زمین بی جنبش است و لایه ی پناد گرم در - بالای آن جای می گیرد.

در چنین زمینه هایی [شرایط] جنبش بالارونده و جا به جایی پناد انجام نمی گیرد و شوند افزایش آلودگی پناد در شهرهای بزرگ و کوسته های کروگی [صنعتی] می شود.

## آشفتگی و بهم ریختگی ریزگردها

**ریزگردها:** ریزگردها بیشتر گردو خاکی است که به درون پناد راه می یابد. گستره ی گیتاشناختی [جغرافیایی] پر آشوب این پدیده کشورهای ایران، عراق، ترکیه، کویت و عربستان هستند.

انگیزگانی چون کاهش ریزش های نیواری [جوی]، خشک شدن آبگیرها و سازماندهی نادرست سرچشمه های آب در این کوسته ها، شوند ریخت گیری این پدیده شده است. ریزگردها شوند بیماری های ششی و نارسایی دم و بازدم در مردمان می شود. ریزگردها همچنین مایه ی آسیب رساندن به جنگل های زاگرس (جنگل بلوت) و کاهش فرآوری در فرآورده های کشاورزی شده و هم چنین میدان دید را کاهش می دهند.

## راه های از میان بردن ریزگردها

برای رویارویی با ریزگردها راه های گوناگون شایمند است. باز سازی تالاب ها و سازمان دهی در « آب بها» برای بهره مندی از آب رودخانه های کوسته [ناحیه]، برنامه ریزی و سازماندهی برای کرانمند کردن بیابان، یافتن شیوه نوین در کشت و برنامه ریزی درست برای بهره مندی از آب در بخش های گوناگون کوسته ها ... و جز آن. برای یافتن راه چاره ی دشواری های « زیستبوم» برنامه ریزان، کارفرمایان و سر - پرستان باید دوری و بازه ی جایگاهی [مکانی] را در نگر داشته باشند و در نگهداشت بنمایگان پرهامی [منابع طبیعی] کشور بکوشند.

## سرچشمگان آب ایران

ایران کشوری کم آب است.

چنانچه دریابید که دیگر آبی در دسترس ندارید چه پیشامدی رخ خواهد داد؟ با نگرش به اینکه سه چهارم گوی زمین را آب فراگرفته است، آیا باز هم باید نگران کم آبی باشیم؟ آیا کم آبی در کشور ما راستینه است [واقعیت دارد] و یا تنها سخن پراکنی است؟ نخستین کاری که هنگام تشنگی می کنید چه خواهد بود؟ لیوان را برمی دارید و به سوی سوی شیر آب می روید و از اینکه آب به لیوان سرازیر می شود شادمان خواهید شد. پن [اما] آیا به این اندیشیده اید چگونه این آب در دسترس شما نهاده شده است؟

در این آموزه [درس] می خواهیم با سرچشمگان آب در کشورمان آشنا شویم.

اکنون ببینیم که چگونگی آب در کشورمان چگونه است و برای نگهداشت این مایه ی زندگی چه کارهایی باید انجام دهیم و افزون بر آن می خواهیم ببینیم آیا راهی برای — پیشگیری از نابود شدن این مایه ی با ارزش می توان یافت؟

### آب دست یافتنی

گفتیم که آب در کشور ما از ریزش های نیواری [جوی] فراهم می آید. در واره ی [فصل] سرد سال، ریزش برف و باران و روانش [جریان] آب در رودها، انباشتگاه آب کشور را فراهم می آورد. و در واره ی گرم، آب های فرو رفته در زمین بگونه ی چشمه، چاه و کاریز آب بایسته شهروندان بخش های گوناگون را پاسخگوست. نیاکان ما در سده های گذشته با نگرش به کم آبی و خشک بودن سرزمین ایران برای — دستیابی به آب ؛ ساختن کاریز را پایه گذاری کردند تا در همه ی سال آب در دسترس داشته باشند.



## ویژگی رودهای ایران

با نگرش به سازه هایی [عواملی] که بر چگونگی آب کشورمان کارساز است، می توانیم ویژگی های زیر را در پیوند با رودهای ایران بر رسمیم و در نگر بگیریم.

- 1- در ایران بیشتر بارش ها در پایان واره ی [فصل] پاییز تا آغاز واره ی بهار می باشد. به این راین [دلیل] هرچه به پایان این چرخه نزدیک تر می شویم، آبدی رودها بیشتر می شود.
- 2- با نگرش به ناهمواری ها و اینکه در چه سویی می باشند، هرچه از باختر به سوی خاور کشور برویم اندازه و چندی آب رودها کمتر می شود.
- 3- رودهایی که از کوهستان های بلند و برف گیر سرچشمه می گیرند، پایا هستند. اگر این رودها در کوسته های نمناک روان شوند چندی و اندازه آب آنها بیشتر خواهد بود.
- 4- رودهای کوسته های کمابیش خشک بیشتر با برآمدن ناگهانی و پیشامدی، اندازه ی آب آنها در سال یکسان نمی باشد.

## کانون های آبگیر

درپهنه های [مناطق] کوهستانی، جایگاه هایی یافت می شود که سرچشمه رودهای بیشماری هستند، به این جایگاه ها میانگاه های [کانون های] آبگیر می گویند. رودهایی که از میانگاه های آبگیر سرچشمه می گیرند شایمند است که در سوی های گوناگون روان شوند.

## گونه های میانگاه های آبگیر

- میانگاه های [کانون های] آبگیر به چند گونه است:
- میانگاه های آبگیری که بیش از پانصد میلیمتر بارش داشته باشند و کمینه [حداقل] در هشت ماه از سال، این بارش ها رخ دهد، به انها میانگاه های پایا و همیشگی می گویند.
  - اگر کانون های آبگیر در واره های سرد سال اندوخته ی برف خود را تا آغاز ماه های گرم سال نگه دارند، بی نگرش به ترازمندی اندازه ی بارش و زمان آن در گروه میانگاه - های واره ای [فصلی] بشمار آیند.
  - در کوهستان های نزدیک به گستره های گرم و خشک، که گاهی بارش های کوتاه و ناگهانی رخ می دهد، گونه ای میانگاه آبگیر ناپایدار پدید می آید که آنها را میانگاه های پیشامدی [موقت] می نامند.

## تالاب آبریز [حوضه ابریز]

به گستره ای که با نگرش به ریخت زمین و شیب ناهمواری ها، آب های روان را به سوی پایین ترین پهنه ی آن روان سازد، تالاب آبریز می گویند.

تالاب های آبریز در کشور ما دو گونه است:  
- تالاب آبریز برونی: رودهایی ست که آب آنها به دریاها یا پیرامون کشور می ریزد؛ ولی در درازای گذرگاه [طول مسیر] از آن بهره برداری می شود.  
- تالاب آبریز درونی: رودهایی ست که همه ی آب آنها در کشور روان است و به دریاچه - های درونی می ریزد.

## دریا ها و دریاچه های ایران

در آبختر (۱) [شمال] و نیمروز [جنوب] کشورمان دریاها یا مهندی یافت می شود. در آبختر، دریای کاسپین\* و در نیمروز شاخاب [خلیج] پارس و دریای مُکران [عمان].  
دریاها از نگرش به اینکه ما را به دیگر سرزمین های جهان می پیوندند از مهندی بسیار برخوردار است، به گونه ای که ما در نیمروز [جنوب] کشور از راه دریای مُکران بادرپابار [اقیانوس] هند در پیوند هستیم و در آبختر، دریای کاسپین از راه « دن - ولگا» به دریای سیاه پیوسته است.

## دریای هنباز با همسایگان

دریای کاسپین پهنه ی آب بزرگی است که در درازای آبختر به نیمروز کشیده شده است. این دریا از بازمانده های دریای سترگ « تتیس» است که زمانی بخش بزرگی از نیمگوی [بیمکره] آبختری را پوشانیده بود. پیرامون شست (60) میلیون سال پیش این دریا از آب های دیرین جدا ماند و به گونه ی بزرگترین دریاچه درجهان ریخت گرفت. ولی به راین [دلیل] همین گستردگی بسیار، نام دریا بر آن نهادند.

این دریا را به نام های گوناگونی می نامند:  
از آینگونه: دریای مازندران - کاسپین - گرگان - تبرستان - هیرکلی - و دیلم.  
اکنون نام آن دریای خزر است و در کشورهای دیگر کاسپین نامیده می شود.

درازای این دریا کم و بیش هزار و دویست کیلومتر و پهنای آن سیصد کیلومتر است. پیمایه ی [مساحت] آن با نگرش به دگرگونی های رویه آب، گوناگون است. رویه ی [سطح] آب این دریا از رویه ی آب های آزاد کم و بیش بیست و هشت متر پایین تر است.

**درازترین رودهایی که به این دریا می ریزند از این گونه اند:**  
رود ولگا و اورال از اپاختر - سپید رود و هراز از نیمروز باختری - رود اترک و گرگان از نیمروز خاوری - و رود کورا و ارس از سوی نیمروز باختری.

## مهدی دریای خزر

از راین های [دلایل] مهدی [اهمیت] این دریا می توان به بازرگانی دریایی، بهره برداری از کان های نفت و گاز، ویژگی های برجسته زیستبوم، گردشگری و ماهیگیری ناماش [اشاره] داشت

گونه های ماهیان خاویاری جهان تنها در این دریا می زییند. برخی از تالاب های — کناری این دریا جایگاه پرندگان فاتولنده [مهاجر] است.

**چه سازه هایی [عواملی] جانوران این دریا را زلین [تهدید] می کند؟**

- شکار برای پوست و گوشت
- کمبود جای برای آسودن [استراحت کردن]
- بیماری های واگیر دار
- دگرگونی های آب و پناد [هوا]
- گرفتار شدن در تور ماهیگیران
- آلاینده های کیمیایی [شیمیایی]

## فک [ف] - فکا لاتینی - خوک آبی

خوک آبی یکی از پستانداران کمیاب آبری است که تنها در دریای خزر و رودخانه های پیوسته به آن می زیید. خوک ها در آب زندگی می کنند و گاهی برای زادآوری و آسودن به کناره می آیند.

خوک های آبی با خوردن آبریان کارایی بسیار مهدی [مهمی] در ترازمندی جانوران آبری و زیستبوم خزر دارند.

## شاخاب پارس گذرگاه دریایی ایرانیان برای همکاری جهانی

پیشروی آب دریابار [اقیانوس] هند از راه دریای مُکران [عمان] و تنگه ی هرمز به دره - های زاگرس، شاخابی [خلیجی] کمانی دیسه در سوی خاوری - باختری پدید آورده است که سد سال است به آن « دریای پارس» یا « شاخاب پارس» [خلیج فارس] می گویند. درازای آن کم و بیش نهسد 900 کیلومتر و میانگین پهنای آن 250 کیلومتر است. مهندترین رودهایی که به شاخاب پارس می ریزد براین پایه اند: کارون - کرخه - دالکی و مند. کارون پرآب ترین و درازترین و دامنه دار ترین و تنها رود ناوپذیر و درخور برای کشتیرانی است. به شاخاب های کم درازای کناره ی شاخاب پارس « خور» می گویند؛ مانند خور موسی. در شاخاب پارس، آبخوست های مهندی همچون خارک - کیش - فرور - بوموسی - تنب بزرگ - تنب کوچک - لاوان - هنگام - لارک - هرمز و ... هستی دارند که از آن ایران می - باشند که برخی از آنها زیستنی است. قشم بزرگترین آبخوست شاخاب پارس است.

## مهندی شاخاب پارس

یکی از راین های [دلایل] مهندی [اهمیت] این شاخاب بازرگانی دریایی و بودش کان های سترگ نفت و گاز در بستر آن و گونه های بسیاری ماهی و میگو است. شاخاب پارس از مهندترین کانون ماهیگیری و پرورش مروارید است. تنگه ی هرمز که جایگاه پیوند این شاخاب به دریای مُکران است یکی از مهندترین جایگاه های استراتژیک جهان است.

## دریای مُکران: ایران به دریابار راه دارد

آنچه امروز دریای « عمان» نامیده می شود در گذشته دریای « مُکران» نام داشت. این دریا میان ایران، عمان و پاکستان مشترک است. چابهار تنها بندر دریاباری [اقیانوسی] ایران در اپاختر دریای مکران جای دارد. تنها دریای آزاد ایران، که از گذرگاه آن می توان به اب های همه ی دریا های جهان دسترسی داشت، دریای مکران است. دریای مکران بخشی از آب های دریابار هند است که از راه تنگه ی هرمز از شاخاب پارس جدا می شود. ژرفای این دریا گاهی تا دوهزار متر می رسد، براین پایه برای گذر کشتی های بازرگانی و نفت کش های بی اندازه بزرگ دارای کارایی بسیار مهندی است. این کوسته [ناحیه] دارای ویژگی ها و توانمندی های [قابلیت] ویژه و بی همتا بوده است؛

مانند چونی کرانه [ساحل]، ژرفای درخور دریا و بی نیازی به بهره گیری از آبراه و کانال - های دریانوردی در کناره های مکران، شایش ساخت و گسترش بیکران بندرها، به ویژه برای پهلوگیری کشتی های دریاباری را فراهم ساخته است.

## مهدی دریای مکران

یکی از راین های [دلایل] مهدی این دریا شایش [امکان] دسترسی به همه ی آب های آزاد جهان است. ترابری کالا و رهنوردان [مسافران] از گذرگاه راه های دریایی است. همچنین این دریا بر زندگی مردم کناره نشین هنایش بسیاری دارد و پیشه های گوناگونی مانند ماهیگیری و پرورش ماهی و میگو را فراهم آورده است.

## آلودگی دریاها

آلودگی دریایی، راهیابی یکر است و بی میانجی و یا با میانجی [مستقیم یا غیر مستقیم] هر گونه ماتک یا کارمایه [انرژی] به زیستبوم دریایی که به کاهش فرآوری و بالش جانداران بیانجامد و هنایش آسیب زا بر بهداشت و زندگی آبریان و تندرستی مردمان داشته باشد.

## آلاینده های آسیب رسان به دریاهاى ایران:

- 1- گنداب های شهری، کروگی [صنعتی] و کشاورزی
- 2- زباله های دج (د) [جامد] مانند پلاستیک
- 3- آلاینده های کیمیایی دربرگیرنده ماتک های آلی، کانی و رادیو آکتیو
- 4- برهیختن [استخراج] و ترابری نفت
- 5- راهیابی کودها، ماتک های زهرآگین کیمیایی بهره برداری شده در کشاورزی که از راه رودها به دریا می ریزد.

## دریاچه های ایران

از نگرش زمانی، دو گونه دریاچه هستی دارد.

**\* دریاچه های همیشگی:** بیشتر دریاچه های همیشگی و پایای ایران در نیمه ی خاوری کشور جای دارند که از نگرش چگونگی آب و هوایی در گروه کوسته های نمناک و نیمه نمناک کشور هستند. آب برخی از این دریاچه ها شور و برخی دیگر آب شیرین دارند. مهندترین دریاچه های همیشگی و پایا در ایران از اینگونه اند: دریاچه ارومیه، زریبار (زریوار) در خاور مریوان در استان کردستان، پریشان (فامور) و مهارلو در استان فارس. همچنین در سنتیغ برخی از کوه های آتشفشانی مانند سیلان هم دریاچه های نه چندان بزرگ یافت می شود که آب آنها از آب شدن برف است، ولی به شوند سرمای چکاد کود بیشتر یخ بسته است.

**\* دریاچه های واره ای [فصلی]:** این دریاچه ها در واره ی پر بارش گسترش بیشتری می - یابد ولی در ماه های گرم و یا در سال های کم بارش به راین [دلیل] و شمش [تبخیر] آب آنها خشک شده یا بگونه ی مرداب و شوره زار درمی آیند. مهندترین دریاچه های واره ای ایران دریاچه « مسیله» در خاور قم، نیریز در خاور فارس، هامون در سیستان و بلوچستان و جازموریان میان دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان است.

**\* دریاچه ارومیه:** بزرگترین دریاچه درونی ایران است که چندین سال است که به راین های [دلایل] گوناگون رو به خشک شدن گذاشته است؛ ولی نشانه های بهبود آن دیده می - شود.

چه سازه هایی [عواملی] شایمند است که این بهبود را بشتاباند و پیش راند؟ این دریاچه را با نام های دیگری همچون « چیچست» و «کیوان» نیز می شناخته اند. آب این دریاچه افزون بر چشمه های کف و کناری آن، از راه رودهای گوناگون فراهم می گردد. ژرف ترین بخش این دریاچه شمال باختری آن است. مهندترین آبخوست های این دریاچه: آبخوست کبودان، اشک داغی، آرزو و اسپیر.

به شوند گذر برخی از این رودها از لایه های نمکی، آب این دریاچه بسیار شور است، تا جایی که هیچ باشنده ای نمی تواند در آب های آن بزبید. آرتمیا\* زمانی که هنوز آب دریاچه فروکش نکرده بود در آن زندگی می کرد. یکی از راین های [دلایل] مهندی این دریاچه، بودش آبخوست های گوناگون و فراوان در آن است که جایگاه زندگی گونه های

جوراجور پرندگان فاتولنده [مهاجر] است و همچنین در پیرامون دریاچه گونه ی نمک ها و ته نشست هایی است که برای درمان بیماری های پوستی بهره برداری می شود. آب این دریاچه مایه پلیمه [معتدل] شدن آب و هوای کوسته شده است.

## مهندترین راین های کاهش آب دریاچه ی ارومیه

پهنه ی رویه ای آب این دریاچه در درازای سال های پی در پی کاهش یافته است؛ براین پایه یافتن راهی درخور برای این دشواری به زمان نیاز دارد و همچنین برای سازه های [عوامل] خشکی دریاچه باید راهی درخور یافت و از میان برد.

برای خشک شدن این دریاچه، راین های گوناگون آورده اند؛ از اینگونه:

- 1- گرم شدن فراگیر پناد [هوا]
- 2- کاهش بارش در گودی [حوضه ی] آبریز دریاچه
- 3- کندن بیش از اندازه چاه ها
- 4- جایگزین کردن کشت فرآورده هایی که به آب کمتر نیاز دارند به فرآورده هایی که کشت آنها نیاز به اب بیشتر دارد.
- 5- دگرگونی در ترازمندی [تعادل] و اندازه آب درون رو [ورودی] به دریاچه، در گذر رودهایی که به آن می ریخت ( ساخت آب بندهای بسیار).
- 6- بودش بازدارنده هایی که چرخه ی آب دریاچه را دگرگون کرده است. هم اکنون با پژوهش های گسترده ی ویژکاران گوناگون و همکاری جهانی کوشش می شودکه راه چاره ای برای پیشگیری آسیب زای این دریاچه بیابند.

---

\* جاندارى سخت پوست که در آب های شور می زیید و از آن در پرورش ماهی و میگو بهره برداری می شود.

# فرگرد سوم

آموزه هفتم

## گیتا شناسی مردمی ایران

### ویژگی های پُرینش ایران

گیتا شناسی مردمی [انسانی] به پراکندگی همبودگاه های [جوامع] مردمان، ویژگی ها، کار و کوشندگی ها و پیوند آنها با زیستبوم می پردازد.

در این بخش، با ویژگی های پُرینش [جمعیت]، بخش بندی های کشوری، نشستگاه ها [سکونتگاه ها] و توان های بازرگانی و بومداتی ایران آشنا خواهید شد.

### پراکندگی پُرینش [جمعیت] در ایران

پراکندگی پُرینش از سازه های [عوامل] گوناگونی ریشه می گیرد.

گیتاشناسان در پژوهش پراکندگی پُرینش سازه های زیستگاه و مردمی را با پرنگری بر می رسند. آنان بر این باورند که رهنامه ی [نقشه] پراکندگی پُرینش پیوسته در کار جابجایی و دگرگونی است و در دهه های پسین، مردمان همچون سازه ی مهند هنایش گذار [تأثیر گذار] در پراکندگی پُرینش در سنجش با گذشته بوده اند.

سازه های مردمی کارساز در پراکندگی پُرینش :

ترابری و پیوندها - سرمایه و فناوری - سرمایه گذاری کشوری - پیشینه باستانی

### بالش پُرینش

[رشد جمعیت]

برپایه ی فرجامین آمار سرشماری مردمان و خانه ها [مسکن] در سال 1395، پُرینش ایران 79926270 کس است.



یکی از جستارهای مهند پُرینش سنجش افزایش و کاهش پُرینش هر کشور است. کارشناسان برای دستیابی به سنجس افزایش و کاهش پُرینش، گوالش [رشد] بهنجار [طبیعی] پُرینش را اندازه گیری می کنند.

برای این اندازه گیری سنجش زادگان و مرگ و میر را در یکسال بر می رسند، از هم کم، و بر شمارهماد[کل] پُرینش بخش می کنند و سپس آن را به در سد گزارش می کنند. ازسوی دیگر مهندی [اهمیت] گوالش پُرینش این است که نه تنها سازه های زاستاری زادآوری در آن هنایش دارد، ونکه [بلکه] جابجایی و فاتولیدن [کوچ کردن] از سازه های مهند و کارساز[تأثیرگذار] بر گوالش پُرینش کشورها به شمار می رود. زادآوری و مرگ و میر، گوالش بهنجار را نشان می دهد که اگر فاتولیدن را به آن بیافزاییم یا از آن کم کنیم، گوالش [رشد] درست پُرینش را به دست خواهیم آورد.

هماره برنامه ریزان برای برنامه ریزی های گوناگون هازمانی [اجتماعی]، بازرگانی، آموزشی و فرهنگی به آینده نگری پُرینشی نیاز دارند. آگاهی از سنجش گوالش پُرینش پایه ی برآورد فرمول دو برابر شدن پُرینش است. زمان بدست آمده مایه [سبب] آنست تا برای آینده پیش بینی های بایا انجام گیرد.

## ساختمان پُرینش

در گذشته آمار پُرینش هنایش مهندی درواسونش های [تصمیم گیری های] برنامه ریزان داشت. ولی امروزه آنان برای برنامه ریزی پرسون [دقیق] ناچارند افزون بر شمار پُرینش سازه های دیگر پُرینشی را نیز در نگر گیرند.

اکنون در پژوهش های پُرینشی، بررسی ساختمان یا همدایش [ترکیب] پُرینش از مهندی ویژه ای برخوردار است.

ساختمان پُرینش ویژگی های سنجش پذیری پُرینش را برمی رسد. آگاهی از چگونگی زاد و سال و ژادین [جنسی] پُرینش هر کشور از فتادهای [موارد] شایان نگرش برنامه ریزان است.

پُرینش گوی زمین از نگرش هارفت [نسبت] ژادین [جنسی = زن و مرد] مگر در زمان های ویژه ناهمگونی چندانی ندارد؛ ولی در درازای زمان هارفت زاد و سال[سنی] در کشورها دچار دگرگونی هایی می شود. کارشناسان به راین [دلیل] مهندی سنجش [نسبت] زاد و سال در برنامه ریزی هر کشور پُرینش را به گروه های گوناگون دسته بندی کرده اند.

**مهندی و کاربرد «پیرامید = سرو دیسه» \* زاد و سال:** در هر کشوری به برنامه ریزان یاری می - دهد که با ساختمان زاد و سال [سنی] پُرینش آن کشور آشنا شوند و از آن برای برنامه ریزی بهره برند؛ برای نمونه برای انجام شدن و دستیابی برنامه های بیمه و بازنشستگی همگانی، بهبود چگونگی هال و هنجار سالمندان، بهبود چونی تندرستی هازمان، فراهمیدن پیشه و کار برای کنون و آینده، فراهم آوردن ایستارهای پرهانه ای

[موقعیت های تحصیلی]، سرگرمی و بهزیستی برای جوانان، ارمنندی [امنیت] میهنی از ازدانش ها [اطلاعات] و آمارهای زاد و سال و ژادین یاری می گیرند.

## ساستاری های پرینشی

[سیاست های جمعیتی]

در دهه های کنونی به هنایش گسترش بهداشت و مایه کوبی [واکسیناسیون]، لوله کشی و بهبود آب آشامیدنی، رواگ و شکوفایی اُسبَرت نفت [صادرات]، دربَرت [واردات] ماتک - های خوراکی؛ شمار مرگ و میر کاهش یافته و مایه افزایش شتابنده پُرنش شده است. سیاست های کاهش پُرنش مایه کاهش گوالش در سال 1395 (24/1 درصد) شد. این کاهش در آینده می تواند دشواری هایی برای کشور ما پدید آورد که برای نمونه می - تواند به برهم خوردن ترازمندی [تعادل] پرینشی (سال و ژاد = سن و جنس) کاهش نیروی پویا و کنشگر و ناتوان شدن نیروی پدافندی کشور بیانجامد.

اگر ساستاری واپایش [کنترل] پرینش دنبال شود، پرینش کشور کم کم دچار پیری و سرانجام دشواری های دیگری در بر خواهد داشت. بایاست در نگر داشت که از پایه نباید واپایش پرینش به گونه ای باشد که «پیرامید = سرودیسه» زاد و سال کشور به سوی سالمندی و کهنسالی پیش رود، زیرا این پدیده بازدارنده بنیادین و مهندی بر سر راه پیشرفت بومداتی [اقتصادی] کشور خواهد بود.

## فاتورش

[مهاجرت]

فاتورش، جا به جایی میان دو یگان گیتاشناختی یا به گفته دیگر رها کردن یک سرزمین و ماندگار شدن در سرزمین دیگر است. فاتورش از سازه های مهند در دگرگونی پرینش به شمار می رود. با پیشرفت فناوری و ترابری، جا به جایی با سنجش به گذشته افزایش یافته است. مردم در فاتورش میان دو یگان [واحد] گیتاشناختی [جغرافیایی] جا به جا می شوند. برخی از کارشناسان، فاتورش را از آغاز سده ی بیستم تا کنون در سه گونه یافته اند:

**1- فاتورش روستاییان**، به شهرها که شوند کشش نیروی مردمی جوان از روستا به شهر می شود که یکی از گونه های فاتورش درونی است. این فاتورش در بومدات [اقتصاد] کشور

با از دست دادن نیروی کار روستا و افزایش پرینش پویای [فعال] بومداتی شهر خود را نشان می دهد. در کشور ما فاتورش روستاییان به شهرها از مهندترین فاتورش ها در فرجامین دهه به شمار می رود.

**2- فاتورش های گروهی**، که بر پایه واسون های [تصمیمات] ساستاری انجام می گردد.  
**3- فاتورش های برونی**، که مردمان ازیک کشور به کشور دیگر جا به جا می شوند، فاتورش های برونی می نامند و به دو گونه ی گزینش و ناچاری انجام می شود.

**هنایش فاتورش** : فاتورش به هر گونه ای که انجام شود، برای کشوری که فاتورندگان از آن برون می روند و همچنین برای کشوری که فاتورندگان را می پذیرد دگرگونی های هازمانی، بومداتیک، فرهنگی و زیستبومی بهمراه دارد.  
فاتورش بر آغازگاه و آماجگاه کارساز است. دگرگونی های برآمده از فاتورلیدن بر ساختار سال و ژاد [سن و جنس]، بهای زمین و خانه، پیشه ها، توانایی های فرهنگی و زبان چشمگیر و درخور نگرش است. برای نمونه فاتورش های بیش از اندازه به برخی شهرهای ایران مایه افزایش پرینش و گسترش کوسته های کناری شده است.

نکته ی درخور نگرش در فاتورش اینست که گاهی همد یک خانواده و یا چندین خانواده یا شهروندان یک پهنه [منطقه] به راین [دلیل] آرمان هنباز جا به جا می شوند. براین پایه، پژوهش و بررسی فاتورش در دگرگونی پرینش مهند است.

**آگاهی های زیر به برخی از سازه های مردمی و زاستاری که در ایران انگیزه ی فاتورش شده است، نمازش دارد.**

- آریایی ها از اپاختر دریای کاسپین به شوند سرما و از دست دادن چراگاه، به نیمروز دریای کاسپین (ایران) فاتوریدند.
- شاه عباس برای نگهداشت مرزهای اپاختری ایران شماری از تبار کُرد را که به رزم - آوری و دلیری شناخته شده بودند به کوسته های اپاختر خاوری کشور فرستاد.
- پس از بخشش زمین [اصلاحات ارضی] در دهه ی 40 شمار بسیاری از روستاییان به راین نداشتن زمین و دشواری های بومداتی [اقتصادی] به شهرهای بزرگ فاتوریدند.
- خشک شدن سرچشمه های آب در پهنه ی سیستان که برآمده از ندانستگی [بی توجهی] به بند مهند «هیرمند» بود، مایه ی فاتورش سیستانی ها به سرزمین گرگان شد.

## بخش های کشوری ایران

کارنامه ی بخش بندی [تقسیم] کشوری ایران

\* پیش از اسلام

پس از اندرشدن آریاییان به دشت های ایران و در نخستین گامه ی [مرحله] زندگی گروهی یک آبادی را «ویس» و آبادی کوچک تر را «گئو» می نامیدند.

\* سپس تر در زمان هخامنشیان

داریوش بزرگ کشور را به سی «شهری» که همان شهر می باشد بخش کرد و برای هر یک از آنان کارگزاران و کارپردازانی گماشت که آنها را شهربان و به «یونانی ساتراپ» می گفتند. در زمان سلوکیان کشور به 72 بخش و شک شد [تقسیم شد]. بخش های فرمانروایی هخامنشی در فرمانروایی اشکانیان یا پارت ها پیگیری شد. در زمان ساسانیان، کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ (شهرستان) و رستاک (دهستان) بخش بندی شده بود.

\* پس از اسلام

در زمان عباسیان، گستره ی گیتاشناختی [جغرافیایی] آنها به یگان هایی زیر نام استان [ایالت] بخش بندی می شد. که رویهمرفته به 31 استان می رسید.

در زمان صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه بنمایه های بنیادین بخش بندی های کشوری به سامان بدینگونه بودند: استان، شهر، بلوک، دهستان.  
در زمان قاجاریه ایران به چهار استان و دوازده شهرستان بخش بندی شد. این استان ها بدینگونه بودند:  
آذربایجان، کرمان، بلوچستان، فارس و بندرها، خراسان و سیستان.

در سال 1316 با پذیرش [تصویب] بخش بندی های کشوری، ایران به ده استان که نام هر استان یک شماره بود و 49 شهرستان بخش بندی شد. در این راستا هر استان به چند

شهرستان و هر شهرستان به چند بخش و هر بخش به چند دهستان و هر دهستان به چند دهکده بخش بندی شده بود.

در سال 1357 ایران به 24 استان بخش بندی شد و در سال 1372 نخستین استان نوین با نام اردبیل از سوی مهستان اسلامی پذیرفته شد و پس از آن استان های قم، قزوین، خراسان های (شمالی، رضوی، جنوبی و البرز) افزوده شد.

## بخش بندی های کشوری در ایران

برای سازمان دهی بهتر کشور، پیشنهادکار یاری های [خدمات] شایسته و درخورو فراهم آوردن نیازهای مردم آن را به بخش های کوچک تر بخش بندی می کنند. این بخش بندی ها هماهنگ با چگونگی و زمان دگرگون می شود. بخش بندی های کشوری ایران هم اکنون بدینگونه است:

**استان:** یگانی از بخش بندی های کشوری است که در چارچوب گیتاشناختی بسامان، از بهم پیوستن چند شهرستان نزدیک بهم با نگرش به چگونگی های ساستاری [سیاسی]، هازمانی، بومداتیک [اقتصادی]، و زاستاری [طبیعی] سازمان دهی می شود. استان را استاندار اواره می کند [ا.واره = اداره].

**شهرستان:** یگانی از بخش بندی های کشوری با کرانمندی [محدوده] گیتاشناختی بسامان و پابرجا است که از بهم پیوستن چند بخش هم مرز سامان داده شده است که از نگرش سازه های زاستاری، چگونگی هازمانی، بومداتیک، ساستاری [سیاسی] و فرهنگی، یگان در - خور و همگنی را پدید آورده است. شهرستان را فرماندار اواره (ا.) می کند.

**بخش:** یگانی از بخش بندی های کشوری با مرز گیتاشناختی بسامان و پابرجا است که از بهم پیوستن چند دهستان نزدیک دربردارنده چندین کشتزار، خانه و روستا سامان گرفته است که از نگرش سازه های زاستاری و چگونگی هازمانی و فرهنگی، بومداتیک و ساستاری یگان همگنی را پدید آورده است. بخش را بخشدار اواره می کند.

**دهستان:** خرداندازه ترین یگان بخش بندی های کشوری با کرانمندی گیتاشناختی بسامان و پابرجا است که از بهم پیوستن چند روستا، جای زیست و کشتزار نزدیک بهم و هم مرز سامان گرفته است و از نگرش زیستگاه، فرهنگی، بومداتیک، و هازمانی همگن است و شایش یاری رسانی و برنامه ریزی در سامانه و شاخه ای یکتا را فراهم می سازد. دهستان را دهدار اواره می کند.

از نگرش سامان اوری: دهستان پیرو بخش - بخش پیرو شهرستان - شهرستان پیرو استان و استان پیرو سازمان های وندساری [مرکزی] پایتخت خواهد بود.

بر پایه فرجامین بخش بندی های کشوری تا پایان سال 1393، کشور ایران از 31 استان، 429 شهرستان، 1057 بخش، 2089 دهستان و 1243 شهر سازمان داده شده است.

**یگان بخش بندی های کشوری**

**\* کارگزاران:**

**وزیر کشور- استاندار - فرماندار - شهردار - بخشدار - دهدار - دهیار**

**\* یگان اوری:**

**وزارت کشور، استانداری، فرمانداری، شهرداری، بخشداری، دهرداری، دهیاری**

## نشستگاه های ایران

[ سکونتگاه های ایران ]

### ریخت گیری و ساختار نشستگاه ها

از دیدگاه دانش گیتا شناسی، نشستگاه جایی است از گردایه ی [مجموع] خانه ها که سازه های زیستگاهی و مردمی در ریختگیری آن دست داشته باشد. هر شهر و روستا یک نشستگاه است. سازه هایی در ریختگیری نشستگاه های شهری و روستایی ایران دست دارند. میان این سازه ها، آب بیشترین مهندی را داشته است. بسیاری از نشستگاه های نخستین، درکنار رودها پدید آمده است. آب در هر مکان برای کار و کشاورزی و ماندگار شدن به گونه ی همیشگی هنایش مهندی داشته است. با ماندگار شدن مردمان [انسان] در یک جا، کوسته یا سرزمین نخستین نشستگاه ها با نام روستا پدید آمد. فزونی پرینش در نشستگاه های روستایی، زمینه ساز پدید آمدن شهرهای نخستین شد. بزرگترین شهرهای ایران در گذرگاه راه های کاروان های بازرگانی درونی و یا برونی پدید آمده است.

### سازه های کارساز در گسترش نشستگاه ها

سازه های کارساز [عوامل مؤثر] مانند آب، خاک، شیب زمین و ... نه تنها در پیدایش نشستگاه ها، ونکه در دگرگونی های پدید آمده در آنها دست دارد. چگونگی های گیتاشناختی ( زاستاری و مردمی) درخور، در گسترش نشستگاه ها کار - ساز است. بسیاری از نشستگاه های شهری و روستایی ایران گسترش چشمگیری داشته است. گاهی سازه های زاستاری [عوامل طبیعی] چگونگی ای پدید می آورد که یک نشستگاه پشتوانه خود را از دست می دهد. یا ناپدید می گردد. برای نمونه شهر باستانی « بیشاپور» که در اپاختر باختری [شمال غربی] کازرون جای گرفته است در زمان ساسانیان از مهندی رسانی [ارتباطی] بسیار برخوردار بود. این شهر تا سده هفتم آباد و درخور زیست بود جنگ و بیماری مایه از میان رفتن این شهر شد.

## گونه های نشستگاه

1- دیرینه ترین گونه ی نشستگاه که در ایران ساخته شده است، نشستگاه تبارها و تیره های چادرنشین است. در این شیوه ی زندگی، ماندگاری و یک جا نشینی همیشگی دیده نمی شود. تیره های چادرنشین بگونه ی بی میانجی [مستقیم] از بنمایگان زاستاری بهره گیری می کنند. در ایران بودش کوه های البرز و زاگرس و نیز دشت های پست و هموار نزدیک آنها از سده ها پیش چگونگی سازگاری را برای دامپروری فراهم آورده است. چادرنشینان زندگی همبودین [اجتماعی]، تباری و پیوندهای خویشاوندی دارند. تیره های ایل سون، بختیاری، قشقایی و ترکمن از تیره های مهند کشور ایران است.

2- روستا، جایی است که کوشندگی [فعالیت] بیشتر مردمان آن به زمین وابسته است و پیشه بیشتر روستاییان کشاورزی است. اسپاش [فضای] باز پیرامون روستا ها، چشم اندازهای زیبایی را برای روستاییان فراهم کرده است. روستاییان در پیوند به ترادادهای زندگی خود بسیار پایبند هستند. بسیاری از آنان در کاشت، داشت و برداشت فرآورده با یکدیگر همکاری می کنند. پناد [هوای] پاک، آپرهام [طبیعت] زیبا و زندگی ساده، آرامش بیشتری را برای روستاییان فراهم آورده است. در روستاها کاریاری ها و تیمار داشت مانند بیمارستان، فروشگاه، ترابری همگانی، کمتر و کرانمند است.

3- در سال 1395 برپایه گزارش آمار ایران؛ آرمان از «شهر» هر یک از بخش های گیتاشناختی است که دارای پذیرفته [مصوبه] نمایندگان استات [دولت] بوده و دارای شهرداری باشد. همچنین شهر از نگرش بافت ساختمانی، پیشه و دیگر سازه ها، دارای نمایی با ویژگی های برجسته خود است. پُرینش بیش از اندازه شهرها به کاریاری های [خدمات] و آمایش های بیشتری نیاز دارد. پُرینش بیش از اندازه انگیزه این شده است که خانه ها فشرده و در کوی و برزن انباشتگی پدید آید. بیشتر مردم نشستگاه های شهری، در بخش کاریاری و فناوری کار می کنند. در شهرها ناهمگونی بسیار در ارزش ها، ترادادها و شیوه ی زندگی مردم دیده می شود.

## ساختار نشستگاه ها

هر نشستگاه از بخش های گوناگون ساخته شده است. بخش های نشستگاه های روستایی در برگیرنده خانه ها، کشتزارها، چراگاه ها، باغ ها، و جاهای همگانی، مزگت ها، میدان ها و شاخه های راه ها و گذرگاه ها است. بخش های نشستگاه شهری بیشتر دربردارنده کاشانه ها، خیابان ها، میدان ها، ساختمان های آموزشی و سرگرمی، دانشگاه ها، بازار و



وندسارهای [مراکز] درمانی است. چگونگی جایگیری پدیده های زاستاری و مردمی در نشستگاه ها، ریخت های گوناگون پدید آورده است.

در روستای پراکنده، خانه ها با بازه از هم ساخته شده است. روستاهای فشرده زیرهنایش پدیده های پیرامون خود است؛ برای نمونه روستاهایی که در پهنه ی کناره دریا یا رود می باشد و یا در راستای [امتداد] بزرگراه پی ریزی و ساخته شده باشد.

نشستگاه های شهری هم ساختارهای گوناگون دارد. شهرها با نگرش به چگونگی پیدایش و کارکردهای گوناگون خود ساختارهای ناهمگون دارد. برخی شهرها ریخت آمیغی دارند. این شهرها در زمان های گوناگون گسترش یافته است به همین شوند ریخت این شهرها آمیغی [ترکیبی] است.

## دگرگونی های پُرنیشی نشستگاه های ایران

فزونی پرنیش انگیزه شده است که ریخت نشستگاه ها رفته رفته دگر شود. بالش [رشد] شتابان پرنیش از یک سو بر شمار پرنیش شهرها افزوده و از سوی دیگر گهولش [تبدیل] بخش های روستایی به شهر (پایه گذاری شهرداری) شمار بخش های شهری را افزایش داده است. در سه دهه ی گذشته ایران دگرگونی های بسیار در پرنیش و نمای نشستگاه ها داشته است. این دگرگونی ها در شیوه ی زندگی هازمانی - بومداتیک [اجتماعی - اقتصادی] آنان کارساز بوده است.

## پیدایش شهرهای پر پرنیش خوب و یا بد ؟

در دهه های گذشته، شهرنشینی در جهان افزایش یافته و بالش شتابان شهرنشینی انگیزه برپایی شهرهایی با پرنیش میلیونی شده است. کشور ما هم در دهه های گذشته بالش شتابان شهرنشینی داشته است. از پیرامون سال 1360 بیش از 50 در صد از پرنیش کشور در شهرها زندگی می کنند.

پدیده ی گرایش به شهرنشینی در همه جای کشور به چشم می خورد؛ ولی در سال های کنونی هشت شهر ایران پرنیش بیشتری را در خود جای داده است. در ایران شهرهایی که پرنیش بیش از یک میلیون داشته باشد را «کلان شهر» می گویند.  
کلان شهرهای ایران برگرفته از وندسار [مرکز] آمار ایران :  
تهران - مشهد - سپاهان - کرج - تبریز - شیراز - اهواز - قم

فاتورش در دگرگونی پرینش شهری هنایش بسیار داشته است. با اینکه شهرها به راین [دلیل] توانایی ها و آمایش ها درخور نگرش فاتورندگان بوده است؛ ولی در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ دشواری ها و نارسایی هایی به چشم می خورد این نارسایی ها در زمینه های گوناگون هازمانی ، بومداتیک و زیستبومی ، زندگی رادر این شهرها دشوار کرده است.

\* در پی آلودگی پناد شمار بیماران در پیوند با دم و بازدم تا 60 در سد افزایش یافته است آلودگی پناد میانگین مایه کاهش 5 سال از زندگی تهرانی ها شده است.

\* در دهه ی گذشته بالش بهای نشستگاه شتاب فزاینده ای داشته است. شهرهای بزرگ در این زمینه دشواری بیشتری داشته است.

## کارکرد نشستگاه ها

کارکرد هر نشستگاه برپایه چگونگی گیتاشناختی آن، از زاستاری [طبیعی] یا مردمی [انسانی] بازشناخت می شود.

برای نمونه: شهرهای مشهد و قم به شوند نیایشگاه ها- شهرهای بوشهر و انزلی به شوند جای داشتن در کنار دریا و شایش پهلوگیری کشتی ها و بارگیری و نگهداری کالاها- شهر تهران به شوند پایتخت بودن، جایگیری دیوانسراها [وزارتخانه ها]، نمایندگی های کشورهای دیگر، وندسارهای [مراکز] بزرگ اوارای [اداری]، ساستاری [سیاسی] و همچنین به شوند دانشگاه ها و ماندگاری دانشجویان از سراسر کشور- سپاهان و اراک به شوند کارخانه های مهند و گوناگون کاریایی [نقش] فیاروری [صنعتی] دارند.

درباره ی کاریایی [نقش] نشستگاه ها بایاست در نگر داشت که امروزه بیشتر نشستگاه ها چند کاریا دارند و همزمان انجام می دهند. کاریایی نشستگاه ها در نمای آنها بازتاب دارد. نشستگاه دانشگاهی با نشستگاه فیاروری یکسان نیست. گاهی شدنی است که کاریایی نشستگاهی در درازای زمان دگرگون شود و یا گسترش یابد؛ برای نمونه نشستگاه فیاروری رفته رفته کاریایی اوارای [اداری] و ساستاری رانیز به گردن گیرد.

## شهر گریزی

با نگرش به دشواری های شهرهای بزرگ در سال های کنونی برای نمونه آلودگی پناد [هوا]، گرانی خانه و آسیب های هازمانی [اجتماعی]، گریز از شهرهای بزرگ به

شهرستان های کم پرینش و یا روستاها آغاز شده است. این پدیده را « شهرگریزی و یا فاتورش بازگون» می گویند.

بسیاری از شهرنشینان آرزوی رفتن به جایی آرام و زیستن در آپرهام را دارند. برخی از مردم در روزهای آسودگان [تعطیل] با رفتن به بیرون از شهر خستگی یک هفته کار را می زدایند. ولی برای برخی یک روز در هفته بسنده نیست و برتر می دانند که در آپرهام [طبیعت] زندگی کنند.

## توان های بومداتی ایران

[توان های اقتصادی ایران]

بومدات دانشی است که مرتوگان [انسان] برای فراهم آوردن نیازهای خود به آن پر - نگر است. کوشندگی های بومداتی مایه افزایش دارایی در کشورها می شود و در برآیند بهزیستی و آسایش را برای مردم آن کشور فراهم می آورد. کوشندگی های بومداتی در سه بخش انجام می شود؛ کشاورزی، کروگی [صنعت] و کاریاری ها [خدمات].  
نگرش فراگیر به سه بخش نامبرده برآیند مهندی در گسترش بومداتی و پیشرفت درخور کشور دارد. برای نمونه کشاورزی شکوفایی بایا نخواهد داشت مگر اینکه توانایی های در - خور به یاری بخش بومداتی و کروگی فراهم شود.  
پاسخ به پرسش های زیر یاری دهنده خواهد بود تا وابستگی میان بخش های گوناگون بومداتی بهتر شناخته شود.

- بهره بری از ابزار کشاورزی چه هنایشی در اندازه و چونی فرآورده های کشاورزی دارد؟

- چگونگی ترابری در پخش فرآورده های کشاورزی چه هنایشی می گذارد؟

- بازرگانی چه کارایی در اسبرت [صادرات] فرآورده های کشاورزی و کروگی دارد؟

برای پیشرفت و گسترش بومداتی [اقتصادی] باید از هماد توان و سرمایه بهره گرفت.  
زیستبوم سازگار از یک سو و مردم توانمند از سوی دیگر بستر درخوری برای کوشندگی های بومداتی فراهم می آورد.

- شناخت توانمندی های زیستبوم به مرتوگان یاری می دهد تا از جاهای درست و بهینه بهره مند شود، تا کارها در بخش های گوناگون بومداتی به نیکویی انجام گیرد.

## بخش کشاورزی

یکی از مهندترین نیازهای مردمان نیاز به خوردن است. برای این نیاز بایا گونه ای پیوند میان مرتوگان و زیستبوم پدید آمده است که آن را «کشاورزی» می نامیم. این بخش به راین [دلیل] هنایش بسیار مهند[مهم] در زیست و زندگانی مردمان در فراهم آوردن ماتک ها [مواد] و فرآورده های بایا برای تندرستی، خودبسندگی و بی نیازی به دیگران، پدید آوردن پیشه و کار و بهره مندی درست از دهش های بیشمار آفریننده مانند آب و خاک، در بومدات کشور یارکاری بسیار مهند است. کشاورزی از کوشندگی های بنیادین و زیربنایی در بومدات ایران است که در سایه کوشش روستاییان فرآورده ها با چونی در دسترس مردم نهاده می شود. این بخش دربرگیرنده کوشندگی های گوناگون است که مهندترین : کشاورزی، باغداری، و دامداری می باشد.

گوناگونی آب و پناد[هوا] در ایران، چگونگی درخور و سازگاری را برای فرآوری[تولید] فرآورده های کشاورزی فراهم آورده است. گونه های بنوها[غلات]، بنشن ها[حبوبات] و سبزی ها و فرآورده های جالیزی، گیاهان، گونه های واش ها [علف ها] و فرآورده ها برای کاربردهای دارویی و کروگی از فرآورده هایی است که در بخش های گوناگون کشور کشت می شود.

با اینکه کوشندگی های کشاورزی در کشورمان بسیار گوناگون است، کرانمندی در سر - چشمه های آب و خاک، بهره وری کم، آسیب ها و زیان ها و آشفتگی های آب و پنادی و ناستواری بهای فرآورده ها و... از گونه ی دشواری های فرآورده های کشاورزی در کشور است که در بر آیند مایه آن شده است که کشورمان ناچار به دربرت [واردات] برخی فرآورده های کشاورزی وابسته باشد.

## باغداری

ناپایداری بسیار دما [درجه حرارت] روزانه و سالانه در برخی از پهنه های ایران مایه گوناگونی فراوان در فرآورده های باغی شده است. کشور ما برای فرآورده های باغی از برتری هایی برخوردار است؛ زیرا شایش [امکان] کشت گونه های بسیاری میوه های سرد سیری، نیمه گرمسیری و گرمسیری دارد. این بخش از کشاورزی، از مهندترین ریزکالاهای اُسبرتی[اقلام صادراتی] کشور است که هر ساله مایه افزایش ارز می باشد. گونه هایی مانند پسته، انار، و خرما ی ایران در جهان بی - همتاست.

با نگرش به توانایی های ناهمسان پهنه های گوناگون کشور در زمینه ی فرآورده های باغی، هر استانی میوه های ویژه خود را فراهم می آورد.

نمودار زیر پراکندگی فراوری [تولید] سالانه ی میوه در کشور:

نام فرآورده	استان های بنیادین فرآورنده
- سیب درختی	آذربایجان باختری و خاوری، تهران، فارس، سپاهان
- انگور	آذربایجان باختری، فارس، همدان، خراسان، قزوین
- پرتغال	مازندران، فارس، کرمان
- خرما	کرمان، سیستان و بلوچستان، خوزستان، بوشهر، فارس
- انار	فارس، خراسان، یزد
- پسته	کرمان، خراسان، یزد، فارس، سمنان

امروزه با نگرش به دشواری کاهش سرچشمه های آبی کشور، سپارش و پیشنهاد می شود که گسترش باغداری با روش نوین آبیاری و هماهنگ با پیرامون جایگزین کشاورزی و کشت و کار شود.

بهره بری از کشت گلخانه ای یکی از روش هایی است که میان باغداران ایرانی رواگ یافته است؛ زیرا برتری های فراوانی دارد؛ برای نمونه:

- 1- کاهش کاربرد آب
- 2- فراوری در همه ی واره های سال و همه جا
- 3- واپایش [کنترل] بهتر کشت

## دامداری

بسیاری از ماتک های [مواد] خوراکی که ما بهره می بریم سرراست و یا با میانجی از راه دامداری به دست می آید. گستردگی کشور در پهنه ی گیتاشناختی، گوناگونی پهنه ای و گونه های گیاهی، چگونگی درخوری را برای پرورش گونه های دام فراهم کرده است. افزون بر آن روند رو به پیشرفت کروگی ها در زمینه دامداری، نیروی مردمی، ویژه کاران ماهر و بهره مندی از روش های دانشیک درهماد[کل] مایه پیشرفت این بخش از بومدات کشور ما شده است.

فراوری [تولید] فرآورده های دامی مایه شکوفایی و فراوانی فرآورده های خوراکی درکشور شده است. این کروگی [صنعت] در بومدات فرآورده های خوراکی، کار و پیشه ، ارمندی [امنیت] ماتک های خوراکی و اسبرت [صادرات] کشور هنایش مهندی دارد.

یکی از فراوران فرآورده های دامی، تیره های چادر نشین هستند، هرچند پرینش این تیره ها کمتر از 2 در صد پرینش کشور است، آنان 25 در صد یگان دامی و 20 در صد یگان فرآوری سپیده [پروتیین] وابسته به دام کشور را ویژه ی خود کرده اند.

## بخش کروگی و کان ها

کروگی [صنعت] دربرگیرنده کوده ی کوشندگی هایی است که به دگرگونی ریخت تکرودیک [فیزیکی] یا کیمیایی [شیمیایی] ماتک های [مواد] گوناگون بنیک [اولیه] ودگردیسی آنها به فرآورده های نوین می انجامد، چه این دگردیسی ها با دست و یا با ماشین در کارگاه و یا در خانه انجام شود.

بخش کروگی، برانگیزنده بنیادین بالش، پیشرفت و نوآوری کشورها به شمار می رود. کوشندگی در این بخش به آفرینش پیشه و کار می انجامد. بسیاری پیشه ها بگونه سرراست و یا با میانجی به کروگی وابسته است. بخش کروگی در بازارگانی، پژوهش، گسترش، گواندگی و بهره وری بهر [سهم] مهند و چشمگیری دارد.

## بخش بندی کروگی ها در ایران

کروگی های بنیادی کشور را می توانیم به دو گروه « کروگی های دستی» و « کروگی های ماشینی» بخش بندی کنیم.

## کروگی های دستی

به آن دسته از کوشندگی هایی گفته می شود که بیشتر با بهره گیری از ماتک های بنیک [مواد اولیه] بومی و به کارگیری ابزار ساده ی دستی، در روندهای بنیادین فرآوری در آن پسند و نوآوری سازنده نمایان است.

یکی از کروگی های دستی و مهند ایران بوب [فرش] دستباف است. کشور ما یکی از برونفرستگان [صادرکننده گان] بزرگ و مهند بوب در جهان است که به شوند بافت و نگاره های ویژه از آوازه ی جهانی برخوردار است.

## کروگی های ماشینی

در برگیرنده کروگی های نفت و گاز، پتروشیمی، توپال ها [فلزات] بنیادین، خودروسازی، کروگی های کیمیایی [شیمیایی] و فرآورده های خوراکی می باشد. کروگی های وابسته به توپال های بنیادین، برای نمونه؛ کروگی های ماشینی است که دربرگیرنده کروگی پولاد، آلومینیوم، مس، سرب و روی می شود. بخش مهندی از برونفرست ها [صادرات] جدا از نفت را، بخش کروگی می پوشاند.

## کروگی های پتروشیمی

یکی از کروگی های مهند کشورمان کروگی «پتروشیمی» است که پس از نفت و گاز، بزرگترین بخش کروگی [صنعتی] کشور به شمار می رود. ماتک های پتروشیمی در فر-آوری گونه های لاستیک، پلاستیک، شوینده ها، چسب، کود، رنگ، گونه های ریسمان و نخ کاربرد دارد.

## کروگی های خودرو سازی

کروگی خودروسازی یکی از ویژگی ها و نشان پیشرفت یافتگی کشور است که می تواند نهش [موقعیت] و شایش [امکان] پیشه و کار بسیار برای کشور فراهم آورد. دو سازمان بزرگ «ایران خودرو» و «پارس خودرو» بخش بزرگی از خودروهای کشور را می ازانند [تولید می کنند].

## کان ها

ایران یکی از کهن ترین شارینش های [تمدن های] جهانی در یابش کان است و امروزه با بودش بیش از هفتاد گونه ماتک کانی، یکی از توانمندترین در جهان است. در کشور ما ماتک های کانی ایران؛ نفت، گاز، بوکسیت، مس، روی، سرب، سنگ آهن است. همچنین بخش کانی یکی از بخش های مهند پیشه و کار گماری کشور است. استان های یزد، کرمان، سپاهان، بیشترین کارمند، کارگر و ویژه کار در بخش کان کشور را دارند.



ناترازمندی در پراکندگی میخ های [قطب های] کرومیک [صنعتی] در پهنه ی کشور نشان دهنده آن است که به توان و گنجایش های پیرامونی ایران بگونه ی همادی [کلی] اتانش [توجه] نشده است. برای نمونه می توان به کوسته های خاوری و وندساری [مرکزی] نمارش داشت که از نگرش گنجینه های ماتک های بنیک پر بار هستند ولی به شوند اینکه بگونه ی کرانمند از آن بهره برداری شده است با گوالش کرومیک رو به رو نبوده اند. اگر در بهره برداری از کان های زاستاری [طبیعی]، ویژگی ها و توان پیرامونی آن پهنه بررسی گردد، همه ی پهنه های کشور می توانند هماهنگ با شایش های زاستاری و مردمی خود پیشرفت داشته باشند.

## کاریاری ها

[خدمات]

به زنجیره ی کوشندگی های دارایی [مالی]، کارفرمایی، بهداشتی، آموزشی، نیروی ساماندهی [انتظامی]، آگاهی رسانی، گردشگری، بازرگانی که بگونه ی ناراسته [غیرمستقیم] در بهبود چونی و چندی فرآورش های [تولیدات] کشور کارسازند؛ « کاریاری ها » گویند. امروزه بخش کاریاری ها یاری بسیار به هماهنگی دیگر بخش های بومداتی می کند. برای نمونه، بالش و پیشرفت بخشهای کشاورزی و کروگی وابسته به پژوهش های گوناگون و پرشماری است که در بخش کاریاری ها انجام می گیرد.

کاریاری ها درکشورها با یاری بخش مردمی و از راه سرمایه گذاری استاتی [دولتی] انجام می گیرد. توانایی های آموزشی، بهداشتی و درمانی از کاریاری هایی است که برای استات [دولت] از مهندی بسیار برخوردار است. کاریاری های گوناگون است؛ ترابری، پیوندها، پیام رسانی ها، بانکداری، بازرگانی، بهداشت و درمان، توانایی های آموزشی، پژوهش ها و گردشگری از گونه کاریاری ها هستند.

## ترابری

امروزه زیربنای گسترش بومداتی [اقتصادی] بر پایه سامانه ترابری و پیوندهای وابسته به آن انجام می گیرد. اگر راه ها و ماشینهای ترابری بسنده در دسترس نباشد، شایش پیوند میان کوسته ها [نواحی] گوناگون و داد و ستد کالا انجام نخواهد شد. می گویند راه ها رنگ زندگی هازمان هستند و هماد کوشندگی های بومداتی، فرهنگی و هازمانی را پایدار و پابرجا می کنند. سامانه ترابری درخور و شایسته برآیندهای نیکویی برای یک کشور دارد. با نگرش به راه های کوسته های دورافتاده، که دارای توان پیرامونی درخور برای

فرآوری هستند، زمینه های خوبی برای بهره برداری فراهم می آید. پرنگری به هماد پهنه های کشور با در نگر داشتن توان پیرامونی آنها انگیزه ی بالش و گسترش کشور را فراهم می آورد.

## آموزش و پرورش

نهاد آموزش و پرورش از مهندترین سامانه همبودین [اجتماعی] هر هازمان [جامعه] می - باشد. برای پرهیختن مردمان تندرست و آگاه؛ استات [دولت] بلنج [مبلغ] بسیار مهندی هزینه می کند. زیرا واسونمند است [اطمینان دارد] که هنایش و بازدهی آن در دوررس به دست خواهد آمد. این بخش از کاریاری ها نیروی مردمی کارآمد و ویژه کار در بخش های کروگی، کاریاری ها و کشاورزی را آموزش می دهد.

## بازرگانی

مردمزاده [آمی] از آغاز آفرینش تا کنون روش های بازرگانی و دادوستدهای گوناگونی را آزموده است. ساده ترین روش بازرگانی همان شیوه گهلش [مبادله] کالا به کالا و پایاپای است. با گذشت زمان بازرگانی از روش ساده به جهانی شدن دگرگون شده است. بازرگانی یکی از راه های مهند فراوری [تولید] سرمایه برای کشور هاست. ایران یکی از کشورهای دیرینه در زمینه داد و ستد و بازرگانی است. این سرزمین به راین جایگاه راهبردی [استراتژیک] ویژه و گذرگاه راه ابریشم از نگرش بازرگانی دیرینگی [قدمت] دارد. با نگرش به جایگاه بازرگانی در فرآوری سرمایه، اتانی [حضور] توانمند ایران در پهنه ی بازرگانی جهانی بایسته است.

در گذشته انجام کارهای بازرگانی در جاهای شناخته شده مانند بازار و سازمان های خرده فروش و کلان فروش (بنکدار) انجام می گرفت. امروزه بازرگانی الکترونیک بخش گسترده ای از جابجایی کالا و کاریاری را به گردن گرفته است. بهره وری گسترده از رایانه شایش خرید و فروش تیزگام [سریع] را به اندازه بسیار آسان کرده است.

# گردشگری

یکی از کاربازی های مهند که امروزه درخور نگرش بسیاری از کشورهاست، گردشگری می باشد. گردشگری در ردیف پیشه های پردرآمد، پاک و کم هزینه است که برای کشور میزبان می تواند کاریابی، گسترش، شکوفایی بومدانی و پیوندهای جهانی سازنده پدید آورد.

## گرانش های گردشگری ایران

کشورما برای کشش گردشگران درون کشور و برونی توانمندی های فراوانی دارد؛ بگونه ای که سازمان جهانی گردشگری ایران را از نگرش گرانش های زاستاری [طبیعی] در پایه ی پنجم و از نگرش ویژگی ها و گرانش های [جاذبه های] کهنگاهی [تاریخی] و فرهنگی در پایه دهم جهانی جای داده است.

## در زیر گرانش های گردشگری ایران

1- وندسارهای [مراکز] دینی و نیایشگاه ها

2- پیکره بندی زاستاری [طبیعی] و برخورداری از جایگاه دریایی و خشکی، کوه های بلند، دشت های گسترده، کناره های گوناگون و بیابان های شگفت انگیز گردشگری و زمین گردی را پدیدآورده است.

3- گوناگونی زیستی ایران و بودش زیستبوم های بسیار گوناگون گیاهی، جانوری در کشور برای گردشگری دانشیک و زاستاری بسیار پربار است.

4- گوناگونی نژادی و فرهنگی در کشور که به همراه خود گردایه ای از آیین ها، جامه ها، خوراکی ها، آهنگ ها، گویش های بومی را پدید آورده است و زمینه ی گردشگری هازمانی - فرهنگی را فراهم آورده است.

5- در کشور ما بیش از سد و شست گونه هنرهای دستی دارد که این توانمندی گردشگران ویژه ی خود را دارد.

6- بودش شاروندی [تمدن] با ریشه هایی در ژرفای کهنگاه [تاریخ] از هزاره های پیش از

زایش [میلاد] تاکنون کشور ما را به یکی از خاستگاه های شاروندی مرتوگری دگرسان — [تبدیل] کرده است که پیامد آن بودش بیش از یک میلیون مانداک [اثر] باستانی و کهنگاهی [تاریخی] در کشور است. این توانمندی اندرکننده میلیون ها گردشگر، پژوهشگر و دوستدار در درون و برون کشور است.

7- بودش وندسارهای [مراکز] گوناگون فرهنگی مانند دیرینکده ها، جشنواره ها، نمایشگاه - ها، وندسارهای درمانی و.. هرکدام آماجگاه [مقصد] بسیاری از گردشگران درون و برون کشور است.

8- جایگاه کشورمان و گستردگی آن در پهنای گیتاشناختی شوند گوناگونی آب و پناد [اقليمی] و چشم اندازهای زاستاری شده است.

## گردشگری روستایی

یکی از گونه های گردشگری؛ گردشگری روستایی است. در ایران روستاهای بیشماری هستی دارد که دارای گرانش های زاستاری و کهنگاهی بوده و می تواند همچون آماج گردشگری از آنها نام برده شود. در گردشگری روستایی بازدید کنندگان با ویژگی های زندگی روستایی، هنر، فرهنگ و مانداک های فرهنگی روستاها آشنا خواهند شد و پیوندهای فرهنگی و همبودگاهی پایاپای میان گردشگران در روستا پدید خواهد آمد. روستاها همچنین به شوند داشتن چشم اندازهای زاستاری و آب و پناد پاک تر جای درخوری برای گذران زمان آسودگی و آسایش شهروندان می باشند. شکوفایی گردشگری روستایی می تواند به پدید آوردن پیشه و کار و درآمد روستاها بیانجامد.

## پیشرفت پایدار

بهره‌گیری از توان‌های پیرامونی، با آرمان فراهمیدن زیست‌ونگرش به سویگان زیستگاهی [مکانی] در برنامه‌ریزی‌ها، به یکسان‌نگری هازمانی [اجتماعی] و بومداتی و ترازمندی [تعادل] پهنه‌ای [منطقه‌ای] گونه‌های کوشندگی‌ها می‌انجامد. ساماندهی کوشندگی‌های مرتوگان [انسان] بر پایه‌توان پیرامونی می‌تواند از آسیب‌های برآمده از بهره‌گیری مرتوگان از پیرامون بکاهد و زمینه‌های رسیدن به گسترش پایدار را فراهم‌سازد. پیشرفت پایدار به چم فراهمیدن نیازهای امروز، بی‌کاستن از توانمندی‌های آیندگان است. براین پایه شناخت توان‌های گیتاشناختی و اندریافت درست گنجایش‌های پیرامونی ایران، راه‌چاره‌درخوری برای رسیدن به آرمان‌های پیشرفت پایدار است.

پایان

1401 -- 1402

## واژگان کم آشنا و ناآشنای پارسی در این نیبگ

.....

بازشناختن: تشخیص دادن، شناسایی کردن	آب بست: آب بند، سد
بازنمود: شرح، توضیح	آب و پناد: آب و هوا
بازه: فاصله	آبخورد: حوضه آبگیر
بخش بندی ها: تقسیمات	آبخوست واره: شبه جزیره
برآیند: نتیجه	آبزن: حوض، تالاب
برپایه: برطبق	آبخورها: منابع
برغاب: سد	آدمی: مردمزد، مردمزاده، مردم، مرتو، مرتوگان
برون رفت: خروجی	آدمیگری: بشریت، مرتوگری
بسامان: منظم	آزمون: تجربه کردن
بسوان: اغلب	آشکار: معین، پابرجا، روشن
بلندا: ارتفاع، بلندی، افراستگی، فرازا	آمایش: تسهیلات
بنشن: حبوبات	آموزه: درس
بنمایگان: منابع	آمیغی: ترکیبی
بومدات: بومداتیک، اقتصاد	آویژه: مطلق
بومداتی: اقتصادی	
بهزیستی: رفاهی، فراخ زیستی	
بهنچار: طبیعی	
بیشا: حتا	

.....

پاره ها: اجزاء	ابروای (آ. ب): اتمسفر
پدل: (پ.د) جدی = خطرناک	ابزار: وسایل، دستگاه ها، ساز و برگ
پذرفتگان: مصوبات، رواگشتگان	ابزارمند: استادکار، پیشه ور
پذرفته: مصوبه، رواگشته	اپاختر: شمال
پذیرش: تصویب	اپرهام: (ا) طبیعت
پذیرفته: مصوبه	اتانش: توجه
پراسه: مشکل	اتانی (آیا اتانی من بایست)؟ حضور
پردازش: توجه	اخشیگان: عناصر
پرسون: دقت	ارزیابی: برآورد
پرمانه: دریافته، مفهوم	ازدایش ها: اطلاعات، آگاهی ها
پرنگری: توجه	استات: دولت
پروست: (پ. و) محصور	استاتی: دولتی
پروست: حصار	استاهش: توضیح
پرهامی: طبیعی، پرهامیک	افزون بر: ضمن، درکنار، میان
پرهانه: تحصیل	اندرشدن: درآمدن، ورود
پرهانه ای: تحصیلی	انگارش: ریاضی
پریش: (پ) جمعیت	انگاره: فرضیه
پستاها: ذخائر	انگاشتن: فرض کردن، انگار کردن
پلیمه: معتدله	انگیزگان: علل، سازه ها، عوامل
پن: اما، ولی	اوگ: اوج
پناد شناسی: هواشناسی	ایستار: موقعیت، چگونگی
پنده: نقطه	ایستار گیتاشناختی: موقعیت جغرافیایی
پهلوگاه گرمسیری: جنب حاره ای	
پهلوگاه: جنب	
پهنای گیتاشناختی: عرض جغرافیایی	

.....

با میانجیگری: توسط، به یاری
بازانی: نسبی
بازانیده: مربوط
بازشناخت شدن: تعیین شدن

دگرش ساز: تغییر دهنده  
دما: درجه حرارت، گرما  
دمه: بخار، مه‌اب، وشم، نژم  
دولت: استات  
.....

راستا: امتداد  
راین: دلیل، شوند  
رسانشی: ارتباطی، پیوندگاهی  
روانش: جریان  
راژمان: سیستم (آب و پناد= هوا)  
راستا: امتداد  
راستا: عمود  
راستینه: واقعیت  
راهیابی: ورود، درونش  
رخ دادن: اتفاق افتادن، روی دادن  
رویایی بخشیدن: رواج دادن  
رویه: سطح  
رهنامه: نقشه  
رهنوردی: مسافرت  
ریزکالاهای اُسبرتی: اقلام صادراتی  
.....

زاستاری: طبیعی  
زلیفن: (ز. ف) تهدید کردن، پست  
زمینه سازها: عوامل  
زمینه ها: شرایط  
زندگانی - زیست: حیات، گیان  
زیستگاه: محیط  
زیستمایه: معیشت، روزی  
زیستگاه: سکونت گاه، نشستگاه  
زینه: درجه  
.....

ژاد: جنس (زن - مرد)  
ژادین: جنسی  
ژنو: زمین (یونانی)  
.....

ساختار: ترکیب  
ساختار: شکل گیری  
ساختمایه: مصالح، مایگان  
سازگار: مساعد  
سازه: عامل، کارگزار، نماینده  
سازه ها: عوامل  
ساستاری: سیاسی، شهرمداریک  
سامانه: سیستم  
سامه گان: شرایط، سامگان/ چگونگی ها  
ستانی: افقی  
سروین: مخروطین  
سنزندگی: شرایط، شایستگی  
سنجش پذیر: قابل اندازه گیری

پهنه: منطقه، نینگ  
پیش نهادن: ارائه  
پیشامدی: اتفاقی، ناگهانی  
پیشداشت: عرضه  
پیشداشت و درخواست: عرضه و تقاضا  
پیمایه: مساحت  
پیوستگی پویا: ارتباط دینامیک  
پیوندگاهی: ارتباطی  
پیوندی: ارتباطی  
.....

تاقدیس: تاقدیس  
تباری: قبیله ای، ایلپاتی  
تبدیل: گهولش  
تخشاگری: صنعتی  
ترابری: حمل و نقل، جابجایی  
تراز: میزان  
ترازمنده: متعادل  
ترازمنده: تعادل  
ترازی: افقی، ستانی  
تفسان: حاره، تبسیده  
تفسیر: شرح، وستی  
تکین: منفرد

توانایی ها: امکانات  
توانایی: قابلیت  
توانمندی: قدرت  
تیره: ایل، عشایر  
.....

جا- بودگاه: مکان  
جایگاه: ایستار، موقعیت  
جایگاهی: مکانی  
.....

چارچوب: محدوده  
چپیرگان: جوامع  
چرخه: دوران  
چگونگی: موقعیت  
چگونگی: وضع  
چمار: معنی  
.....

خمنده: مایل، خمیده  
.....

دراز: طویل  
درایش: اثر  
درایش: تأثیر، هنایش  
درپی: بر اثر  
درخواست: تقاضا  
درخورنگرش: مورد توجه  
دریابار: اقیانوس  
دستگاه ها: وسایل، ابزار، ساز و برگ  
دشامد: تصادف

گامه، پله، مرحله	سویگاه: جهت
گذرگاه: معبر، راه	سیج: خطر
گرانش: جاذبه	.....
گرانش ویژه: وزن مخصوص	شاخاب پارس: خلیج پارس
گردآمدگی: اجتماعات	شاروندی: تمدن
گروه بندی: تقسیمات	شارینش: تمدن
گسارش: مصرف	شایش: امکان
گستره: محدوده	شایمند: امکان پذیر
گستره: منطقه، پهنه	شتابان: سریع، پرشتاب
گوالش: رشد	شرایط: سامه ها
گوشه: زاویه	شکوفایی: رونق
گهولش: تبدیل	شوند: دلیل
گیان بخش: زندگی بخش، حیات بخش	شهرمداریک: سیاسی، ساستاری
گیتا شناسی: جغرافیا	.....
گیتاشناختی: جغرافیایی	صنعت: کروگی
.....	صنعتی: کروگیک، فیاروری
لویش: حل	.....
لوییدن: حل کردن	فتادها: موارد
.....	فراکشند: مد، فراکشند آب دریا
ماتکان بنیک: مواد اولیه	فراگیر: همه جانبه
مانداک: میراث	فراهم آوردن: تأمین کردن
مانگاه: مسکن، خانه، سرپناه	فراهم آوری: عرضه، در دسترس نهادن
مرتوگان: انسان	فرایافت ها: مفاهیم
مرتوگری: انسانیت	فراوری: تولید، فراورش
مردمی: مردمیک، انسانی	فروکشند: برای آب دریا، جزر
مویندی: صنعتی، کروگی	.....
مهاب: بخار	کاراهی: ساستاری، سیاسی
مهرازی: معماری	کاراهیک: سیاست
مهند: مهم	کارگزار: مأمور، کارپرداز
میانواری: اعتدال	کارمایه: انرژی
میانی: مرکزی، وندساری	کارنامه: تاریخچه
میدان: پهنه، عرصه	کاریا: نقش
.....	کاریا: وظیفه، هرگ
ناراسته: غیر مستقیم	کاریاری: خدمات، زاورش
ناهمگونی: اختلاف	کالبدگرفتن: شکل گرفتن، پی ریزی شدن
ندانستگی: بی توجهی	کانها: منابع
نژادی: قومی	کشیدن: گرافی، نگارش کردن
نشستگاه: سکونتگاه، زیستگاه	کمابیش: نسبی
نگارگر: طراح، پیرنگ گر	کوده: مجموعه، گردایه
نگاره: نخشه	کوسته: ناحیه
نوانش: نوسان	کوشندگی: فعالیت
نوشتار: مطالب، جستارها	کوشنده: پویا، فعال
نهبش: موقعیت، وضع	کهریا: برق
نیادین: طبیعی	کهن زمان: کهنگاه، دیرینگاه، تاریخ
نیسنگ: پادوس، منطقه، کوسته	کهنگاهی: تاریخی، دیرینگی
نیمروز: جنوب	کیمیایی: ماتیک، شیمیایی
نیمروز خاوری: جنوب شرقی	.....
نیمگوی اپاختری: نیمکره ی شمالی	
نیوار: جو (ج. و)	



.....  
واسون: تصمیم  
واش: علف  
وشکیدن: تقسیم بندی، بخش بندی  
وشکیدن: تقسیم کردن  
وشمش: تبخیر  
وشمیدن: بخار شدن  
وشمیدن: تبخیر شدن، خوزمیدن  
وندسار: مرکز، کانون، میانگاه، درونگاه  
ویژه سنگی: وزن مخصوص  
.....

هارفت: نسبت  
هازمان: جامعه  
هستی داشتن: وجود داشتن، بودش  
هستیدار: موجود، هستمند، باشنده  
هسیا: واقعی  
هسیایی: واقعیت  
هکانیدن: تعیین کردن  
همادی: کلی، همادین، همه جانبه  
همار: میزان  
همیودگاه: جامعه، هازمان  
همپرسی: مصاحبه، گفت و شنود  
همچون: به عنوان  
همدارگنش: مخابرات، پیام رسانی  
همدایش: همسازگری، ترکیب  
همراستا: موازی  
همسنگی: موازنه  
هموگ: برابر، مساوی  
هموگار: استوا  
هموگان: اعتدال  
هموگش: معادل سازی، مساوی  
هموگی: تساوی، مساوات  
هموگیدن: معادل شمردن، همانند دانستن  
هنایشگر: مؤثر، کارساز  
.....  
یکراست: مستقیم، سرراست  
.....

## خاستگاه ها در گزینش واژگان پارسی

---

- دیکشنری فارسی به فارسی؛ آبادیس، نرم افزار رایانه ای.
  - فرهنگ برابره‌های پارسی واژگان بیگانه؛ سه پوشینه، نرم افزار رایانه ای ابوالقاسم پرتو، 1373، 1377.
  - فرهنگ پارسی؛ برپایه ی واژگان نژاده و در پیش نهاده دکتر میرجلال الدین کزازی. سیمین حلالی 1392.
  - فرهنگ حسابی - فرهنگ واژگان انگلیسی به فارسی؛ پژوهش و نگارش دکتر محمود حسابی 1337.
  - فرهنگستان ایران، واژه های نو که تا پایان 1319 در فرهنگستان ایران پذیرفته شده است.
  - فرهنگ فارسی عمید؛ حسن عمید. 1367.
  - فرهنگ فرزاد؛ گردآورنده فرزاد بتهایی، 1401
  - گلزار زبان پارسی، فرزاد بتهایی؛ 1400
  - لغت نامه ی دهخدا؛ علی اکبر دهخدا، نرم افزار رایانه یی 1390
  - واژگان پارسی ازدانگاره، تارنمای پارسی انجمن.
  - واژگان پارسی دکتر حیدری ملایری؛ نرم افزار رایانه یی.
  - واژه نامه پارسی سره؛ فرهنگستان زبان پارسی 1390.
-

## در باره ی گردآورنده

گردآورنده دانش آموخته زبان و زبانشناسی نیست.

زادگاه ما همدان است، برای کار پدر، فرنشین آموزش و پرورش استان کردستان، چندین سال در سنندج زیستیم. پس از دیپلم دبیرستان و یک سال « پرورش آموزگار» [تربیت معلم] در سنندج، در آموزش و پرورش گمارده شدم، و ( به شوند شاگرد نخست آموزگاه ) در دبیرستان از سال نخست تا سوم، زبان فارسی و انگلیسی می آموزاندم. سپس در تهران، رشته ی آرایه گری درونی [ دکوراسیون داخلی] در دانشگاه آزاد را به شوند خویشکاری مادری، پس از یک سال و نیم، ناچار رها کردم.

سرنوشت اینگونه نوشته شده بود، که در بلژیک بار دیگر به آموختن بپردازم و این بار در «چهل و هشت سالگی» روی نیمکت بنشینم. از نو جوانی با کشش و خواست بسیار به نوآوری و آفرینندگی «آموزشگاه والای سن لوک Ecole Supérieure de STL-UC» را در بروکسل برگزیدم و سه سال رشته ی «نگارگری و پیرنگسازی پارچه و جامه» را به پایان رسانیدم.

همواره کنجکاو و پویان به خنیاگری باخترزمین و خنیاگرانی که شاهکارهای جاویدان ساخته اند، در یکی از (نوزده آکادمی) خنیاگری در بروکسل، چهارسال به آموختن «سولفز» [ زبان خنیاگری باختر] و چندین سال پیانو، آواز و چند سال «دکلمسیون = خوشخوانی» پرداختم، و هر سال چکامه های سروده سرایان پارسی گوی میهنم را برای شناساندن فرهنگ و زبان آهنگین پارسی برمی گزیدم.

**فرزاد بتهایی**

دیگر نیبگ های گردآورنده و پارسی گردان :

– واژه نامه، پارسی به پارسی ; 2015 –2019 ; **Dictio, Parsi be Parsi**

– دستور زبان خانلری به پارسی; 2019-2020 **Dastour zaban – e Khanlari be Parsi**

– دستور پارسی فرزاد ; 2020 -- **Dastour- e Parsi – e Farzad**

– گلزار زبان پارسی; 2021 -- **Golzar-e zaban-e Parsi**

– دل نهمان ; 2021 -2022 -- **L’Inconscinet ; Jean – Claude Filloux**

– فرهنگ فرزاد ; 2022 -- **Farhang - e Farzad**

نشانی:

farzad.bathaei@gmail.com